

رسالة ای درباره اذکار

شركاء التنفيذ:



المحتوى الإسلامي



رود الترجمة




جمعية الربوة



دار الإسلام

يتاح طباعة هذا الإصدار ونشره بأي وسيلة مع
الالتزام بالإشارة إلى المصدر وعدم التغيير في النص.

 Telephone: +966114454900

 ceo@rabwah.sa

 P.O.BOX: 29465

 RIYADH: 11557

 www.islamhouse.com

به نام الله که رحمت گستر و مهربان است

ستایش از آن الله است، حمد او را می گوئیم و از او یاری و آمرزش می خواهیم، و از بدی های نفس خویش و کارهای ناشایست خود به الله پناه می بریم، الله هر که را هدایت کند او گمراهگری نخواهد داشت، و هر که را گمراه سازد او هدایتگری نخواهد یافت، و گواهی می دهم که معبودی به حق نیست جز الله که تنها و بی شریک است، و گواهی می دهم که محمد بنده و پیامبر اوست، درود و سلام الله بر او و بر آل و اصحابش و همه کسانی باد که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی کنند، اما بعد: از جمله میراث علمی شیخ ما محمد بن صالح العثیمین - رحمه الله - آثاری است در زمینه موعظه نیک و موثر که ریشه در علم شرعی دارد و به تقریر عقیده سلف صالح و بیان آداب شرعی در عبادات و معاملات و سلوک می پردازد، و به مبادرت بر انجام اعمال خیر و غنیمت شمردن اوقات با کارهای نیک تشویق می کند.

از جمله این آثار، کتابی است که پیش رو دارید و به انکار و فضیلت و اوقات آن و نصوص انکار و فواید و ثمرات آن در دنیا و آخرت می پردازد و در نوشته های ایشان و تالیفاتشان یا در سخنرانی ها و خطبه ها و دروس علمی پرشمار ایشان پراکنده بود.

از الله تعالی خواهانیم که این تلاش را سودمند گرداند و برای آن پذیرش قرار دهد و پاداش آن را چند برابر سازد و مقام و منزلت ایشان را در هدایت یافتگان بالا برد، همانا او شنوا و نزدیک است.

و درود و سلام و برکات الله بر بنده و پیامبرش، خاتم انبیا و امام متقیان و سرور پیشینیان و آیندگان، پیامبر ما محمد و بر آل و اصحاب او و کسانی باد که تا قیامت به نیکی از آنان پیروی کنند.

بخش علمی

موسسه خیریه شیخ محمد بن صالح العثیمین

۱۴۳۳/۸/۱۸ هجری قمری

به نام الله که رحمت گستر و مهربان است

فصل اول: در باره فضیلت ذکر به شکل مطلق.

فصل دوم: درباره فضیلت ذکر مقید به تعداد.

فصل سوم: درباره فضیلت ذکر مقید به صبح و شام.

فصل چهارم: درباره فضیلت ذکر مقید به حال خاص، و این بر چند نوع است:

- نوع اول: ذکر خوردن و نوشیدن.

- نوع دوم: ذکر قضای حاجت.

- نوع سوم: ذکر خواب و بیدار شدن و بی خوابی و دیدن خواب بد و مانند آن.

- نوع چهارم: ذکر وارد شدن به خانه و خارج شدن از آن و وارد شدن به مسجد.

نوع پنجم: ذکر شخص سختی دیده.

فضل پنجم: اذکار عبادات:

- نوع اول: اذکار وضو.

- نوع دوم: اذکار نماز.

ذکر استفتاح.

ذکر رکوع.

ذکر سجده.

ذکر نشستن بین دو سجده.

اذکار تشهد.

اذکار پس از نمازها.

- نوع سوم: اذکار زکات.

- نوع چهارم: اذکار روزه.

- نوع پنجم: اذکار حج.

فصل ششم: دربارهٔ اذکار عارض (ذکر برای شرایط پیش آمده):

ذکر استخاره.

اذکار سفر.

اذکار سوار شدن بر مرگب.

اذکار پیاده شده در توقفگاه.

ذکر هنگام وارد شدن به شهر یا سرزمین خود.

ذکر رویت هلال.

هنگام وزیدن باد.

هنگام رعد و برق.

هنگام شدید شدن باران.

فضیلت درود بر پیامبر صلی الله علیه و سلم

فصل اول : فضل ذکر الله تعالی به شکل مطلق

ذکر الله تعالی با دل و با زبان و با هر دو امکان پذیر است، و بهترین آن است که دل و زبان برای ذکر یکجا شوند، و شایسته نیست که هنگام ذکر الله عزوجل دچار غفت و سهو شده زیرا روح ذکر همان حضور دل است و ذکر بدون حضور دل مانند بدن بی روح است که جز جسد چیزی نیست و اجر مترتب بر ذکر به شکل کامل به آن تعلق نمی گیرد. بسیاری از مردم الله را ذکر می کنند در حالی که دلشان مشغول افکار بیگانه از ذکر اوست و می بینی با گوش یا چشم مشغول مردم اطراف خود است، و همه اینها منافی کمال ذکر است و مانع از حصول ثواب به شکل کامل می شود.

و بدان که ذکر الله بر دو نوع است؛ عام و خاص:

ذکر عام: هر زکری است که بنده را به پروردگارش نزدیک سازد، سخن باشد یا کردار یا فکر، حتی مدارس علم و امر به معروف و نهی از منکر و غیر آن.

و ذکر خاص: همان چیزی است که می خواهیم اینجا درباره اش سخن بگوییم از جمله تکبیر و تهلیل و تسبیح و تحمید و مانند آن.

الله تعالیٰ می فرماید:

{فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ} ﴿١٥٢﴾ [البقرة: 152]

{پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و شکرگزاری مرا به جای آورید و از من ناسپاسی نکنید} [بقره: ۱۵۲]

و الله تعالیٰ می فرماید:

{ای کسانی که ایمان آورده اید، الله را بسیار یاد کنید} [احزاب: ۴۱]

و الله تعالیٰ می فرماید:

{إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ} ﴿١٩١﴾
الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطْلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ} ﴿١٩١﴾ [آل عمران:
190-191]

{به راستی در آفرینش آسمان ها و زمین و آمد و شد شب و روز، نشانه های
[آشکاری] برای خردمندان است * [همان] کسانی که الله را [در همه احوال]
ایستاده و نشسته و بر پهلو آر미ده یاد می کنند و در آفرینش آسمان ها و زمین می
اندیشند [و می گویند]: پروردگارا، اینها را ببهوده نیافریده ای؛ منزهی تو؛ پس
ما را از عذاب آتش [دوزخ] نگاه دار} [آل عمران: ۱۹۰-۱۹۱]

و الله تعالیٰ می فرماید:

﴿الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَّا يَذَّكَّرَ اللَّهُ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ ﴿٢٨﴾ الَّذِينَ

﴿الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحَسُنَ مَا أَجْرُهُ﴾ ﴿٢٩﴾ [الرعد: 28-29]

{کسانی که ایمان آورده اند و دل‌هایشان به یاد الله آرام می‌گیرد. آگاه باشید که تنها با یاد الله دل‌ها آرام می‌گیرد * کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند، خوشا بر آنان! و سرانجامی نیک دارند} [رعد: ۲۸-۲۹]

و از ابوهریره - رضی الله عنه - از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «من نزد گمانی هستم که بنده ام درباره ام دارد، و من با اویم چون مرا یاد کند، پس اگر مرا در نفس خود یاد کند او را در نفس خود یاد کنم و اگر مرا در جمعی یاد کند او را در جمعی بهتر از آنان یاد خواهم کرد». متفق علیه.

و از ابوموسی اشعری - رضی الله عنه - از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «مثال کسی که پروردگارش را ذکر می‌کند و کسی که پروردگارش را ذکر نمی‌کند مانند زنده و مرده است». بخاری آن را روایت کرده است.

و از ابوهریره - رضی الله عنه - از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «مُفَرِّدَانِ سَبَقَ جَسْتُنَدُ» گفتند: مُفَرِّدَانِ چیست ای رسول الله؟ فرمود: «مردان و زنانی که بسیار الله را یاد می‌کنند». مسلم آن را روایت کرده است.

و از سَمُرَه بن جُنْدُب - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «محبوب ترین سخن نزد الله چهار سخن است: سبحان الله، والحمد لله، ولا اله الا الله، والله اكبر، زیانی ندارد که با کدام شروع کنی». مسلم آن را روایت کرده است.

و از ابوهریره - رضی الله عنه - از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «اینکه بگویم: سبحان الله، والحمد لله، ولا اله الا الله، والله اکبر؛ برایم از هرچه خورشید بر آن طلوع کرده محبوبتر است». مسلم آن را روایت کرده است.

و از وی - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «دو سخن است که بر زبان سبک است و در میزان سنگین، و نزد پروردگار رحمان محبوب: سبحان الله وبحمده، سبحان الله العظیم». بخاری و مسلم در روایت

آن اتفاق دارند. و از ابومالک أشعری - رضی الله عنه - از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «الحمد لله ترازو [ی اعمال] را پر می کند، و سبحان الله و الحمد لله ما بین آسمان و زمین را پر می کنند». مسلم آن را روایت کرده است.

و از ابوهریره - رضی الله عنه - از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «بهره مندترین مردم به شفاعت من در روز قیامت کسی است که خالصانه از دل لا اله الا الله بگوید» یا: «از نفس خود». بخاری آن را روایت کرده است.

و از ابوموسی اشعری - رضی الله عنه - از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «آیا تو را به یکی از گنج های بهشت راهنمایی نکنم؟» گفتم: آری، فرمود: «لا حول ولا قوة الا بالله» (هیچ نیرو و توانی نیست مگر از سوی الله). مسلم آن را روایت کرده است.

و از مُصعب بن سعد روایت است که گفت: پدرم مرا چنین حدیث گفت که: نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم نشسته بودیم، پس فرمودند: «آیا یکی از شما عاجز است که هر روز هزار حسنه به دست آورد؟» یکی از هم نشینان از ایشان

پرسیدند: چگونه یکی از ما می تواند هزار حسنه به دست آورد؟ فرمود: «صد بار تسبیح می گوید، پس برای او هزار حسنه نوشته می شود، یا از او هزار گناه برداشته می شود». مسلم آن را روایت کرده است.

فصل دوم : دربارهٔ انکار مقید به عدد

1. آنچه به صد بار مقید شده است:

از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «کسی که در روز صد بار بگوید «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» برای او هم وزن آزاد کردن ده برده است، و برایش صد نیکی نوشته می شود، و صد گناه از او پاک می شود، و در آن روز تا شام برایش حفاظتی در برابر شیطان خواهد بود، و کسی کاری بهتر از او نخواهد آورد، مگر آنکه بیشتر از او انجام داده باشد». متفق علیه و از وی - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هر کسی گفت: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، و آن را در روز صد بار تکرار کرد، گناهان او بخشیده می شوند، اگرچه مانند کف دریا باشند». متفق علیه.

2. آنچه به ده بار مقید شده است:

از ابویوب انصاری - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: هر کسی ده بار گفت: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، همانند کسی است که چهار نفر (برده) از فرزندان اسماعیل را آزاد کرده باشد». متفق علیه.

3. آنچه به سه بار مقید شده است:

از ام المؤمنین جُویریّه - رضی الله عنها - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم به ایشان فرمودند: «پس از تو، چهار کلمه گفته ام که اگر با آنچه

تو در طول امروز گفته ای وزن شود، از آنها سنگین تر خواهد بود: **سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ عَدَدَ خَلْقِهِ، وَرِضَا نَفْسِهِ، وَزِنَةَ عَرْشِهِ، وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ»**. (تسبیح و پاکی الله و ستایش او را به تعداد مخلوقات او، خشنودی او، و هم وزن عرش او و جوهر سخنانش، بیان می نمایم). مسلم آن را روایت کرده است. و در روایتی دیگر: **«سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ خَلْقِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ رِضَا نَفْسِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ زِنَةَ عَرْشِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ»** (تسبیح و پاکی الله و ستایش او را [آنطور که باعث خشنودی اوست [می گویم]، تسبیح و پاکی الله و ستایش او را هم وزن عرش او [می گویم] و تسبیح و پاکی الله و ستایش او را [به اندازه] جوهر سخنانش، بیان می نمایم).

و جمع بین این دو بهتر است، یعنی سه بار **«سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ عَدَدَ خَلْقِهِ»** بگویند و سه بار: **«سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ رِضَا نَفْسِهِ»** و همینطور بقیه را.

ذکری را که مقید به عددی بیش از صد باشد را سراغ نداریم، بنابراین آنچه در کتابهای تالیف شده درباره ذکراری که تا هزار بار گفته می شوند آمده، اصلی ندارد.

اذکاری مقید به غیر این اعداد نیز وارد شده، اما این اذکار یا از جمله اذکار صبح و شام است یا از اذکار نماز یا اذکار پس از نماز یا مانند آن است که آن را در موضعش ذکر خواهیم کرد؛ ان شاء الله.

فصل سوم : درباره ذکر های صبح و شام

الله تعالی می فرماید:

﴿وَسَبِّحْهُ بُكْرَةً وَأَصِيلاً﴾ [الأحزاب: 42]

{و بامداد و شامگاه او را به پاکی بستایید}[احزاب: ۴۲]

و الله تعالى می فرماید:

﴿... وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا...﴾ [طه: 130]

{و پیش از برآمدن آفتاب و پیش از غروب به ستایش پروردگارت تسبیح گوی} [طه: ۱۳۰]

و الله تعالى می فرماید:

﴿وَأذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرَّعًا وَخَيْفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ﴾ [الأعراف: 205]

{و پروردگارت را در دل خویش با تضرّع و ترس، بدون آوای بلند [در] بامدادان و شامگاهان یاد کن و [از یاد الله] غافل نباش} [اعراف: ۲۰۵].

از جمله آن:

1) خواندن آغاز سوره بقره:

﴿الْم ﴿۱﴾ ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ ﴿۲﴾ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿۳﴾ وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ﴿۴﴾ أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿۵﴾﴾ [البقرة: 1-5]

{الف لام میم * این کتابی است که هیچ تردیدی در [الهی بودن] آن نیست و مایهٔ هدایت پرهیزگاران است * آن کسانی که [در نهان و آشکار] به غیب ایمان دارند و نماز را برپا می‌دارند و از آنچه به آنان روزی داده ایم انفاق می‌کنند * و آن کسانی که به آنچه بر تو و [بر پیامبران] پیش از تو نازل شده است ایمان می‌آورند و به روز رستاخیز یقین دارند * آنان از جانب پروردگارشان از هدایتی برخوردارند و آنان قطعاً رستگارند} [بقره: ۱-۵]

(2) آیه الكرسي:

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ﴾ [البقرة: 255]

{الله [معبود راستین است؛] هیچ معبودی [به حق] جز او نیست؛ زندهٔ پاینده [و قائم به ذات] است؛ نه خوابی سبک او را فرا می‌گیرد و نه خوابی سنگین؛ آنچه در آسمان‌ها و زمین است، از آن اوست. کیست که نزد او جز به فرمانش شفاعت کند؟ گذشته و آیندهٔ آنان (بندگان) را می‌داند و [آنان] به چیزی از علم او احاطه [و آگاهی] نمی‌یابند، مگر آنچه خود بخواهد. کرسی او آسمان‌ها و زمین را در بر گرفته است و نگهداشتن آنها بر او [سنگین و] دشوار نیست و او بلندمرتبه [و] بزرگ است} [بقره: ۲۵۵]، از ابوهریره - رضی الله عنه - از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «کسی که {حم} سورهٔ مؤمن را تا {إِلَيْهِ الْمَصِيرِ} و آیهٔ الكرسي را هنگام صبح بخواند با آنها تا شام حفظ خواهد شد و کسی که این دو را هنگام شام بخواند با آنها تا صبح حفظ خواهد شد». به روایت ترمذی؛ او می‌گوید: حدیثی غریب است.

می گویم: روایت بخاری از ابوهریره رضی الله عنه نیز شاهد این حدیث است که داستانی را در خود دارد و در آن آمده است: چون به رختخواب رفتی آیه الكرسي را بخوان زیرا همواره بر تو محافظی از سوی الله خواهد بود و تا صبح شیطانی به تو نزدیک نخواهد شد.

(3) قرائت دو آیه پایانی سوره بقره:

﴿ءَامَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ ۚ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ ۚ وَكُتُبِهِ ۚ وَرُسُلِهِ ۚ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّن رُّسُلِهِ ۚ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا ۗ غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿٢٨٥﴾ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا أُكْتَسَبَتْ ۗ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِن نَّسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا ۗ رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا ۗ رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ ۗ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا ۗ أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٢٨٦﴾﴾ [البقرة: 285-286]

{رسول [الله] به آن چه از [سوی] پروردگارش بر او نازل شده ایمان آورده است و مؤمنان [نیز] همگی به الله و فرشتگان و کتاب ها و پیامبرانش ایمان آورده اند؛ [و سخنشان این است که]: میان هیچ یک از پیامبرانش فرق نمی گذاریم [و به همه ایمان داریم]. و گفتند: شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا، آرزو تو را [خواهانیم] و بازگشت [تمام امور] به سوی توست* الله به هیچ کس جز به اندازه توانش تکلیف نمی کند. آنچه [از خوبی] به دست آورده است به سود اوست و آنچه [بدی] کسب کرده است به زیان اوست. [پیامبران و مؤمنان گفتند]: پروردگارا، اگر فراموش یا خطا کردیم، ما را بازخواست نکن. پروردگارا، بار گران [و تکلیف سنگین] بر [دوش] ما مگذار؛ چنان که آن را [به مجازات گناه و سرکشی] بر [دوش] کسانی که پیش از ما بودند [یعنی

یهودیان] نهادی. پروردگارا، آنچه که تاب تحملش را نداریم بر [دوش] ما مگذار و ما را بیمارز و به ما رحم کن. تو یار [و کارساز] مایی؛ پس ما را بر گروه کافران پیروز گردان}[بقره: ۲۸۵-۲۸۶]، از عبدالله بن مسعود - رضی الله عنهما - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هر کسی دو آیه آخر سوره بقره را در شب بخواند او را کفایت می کنند». متفق علیه.

(4 خواندن :

﴿حَمِّمٌ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿۱﴾ غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَهِي الْمَصِيرُ ﴿۳﴾﴾ [غافر: 1-3]

(حامیم * نزول [این] کتاب، از سوی الله شکست ناپذیر داناست. [پروردگاری که] آمرزنده گناه و توبه پذیر، سخت کیفر و نعمت بخش است؛ هیچ معبودی [به حق] جز او نیست و بازگشت [همه] به سوی اوست)[غافر: ۱-۳].

(5 قرائت سه آیه پایانی سوره حشر:

﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلِيمٌ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ﴿۲۲﴾ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿۲۳﴾ هُوَ اللَّهُ الْخَلِيقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ يُسَبِّحُ لَهُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۲۴﴾﴾ [الحشر: 22-

[24

{او الله است که معبودی [راستین] جز او نیست؛ دانای غیب و آشکار است؛ او بخشنده مهربان است * او الله است که معبودی [به حق] جز او نیست؛ [اوست]

فرمانروا، منزّه، بی عیب و نقص، تصدیق کننده [پیامبران]، مراقب [اعمال بندگانش]، قدرتمند شکست ناپذیر، شکوهمند و شکست دهنده مطلق، والامقام و شایسته عظمت. الله از چیزهایی که [برای او به عنوان] شریک می آورند، پاک و منزّه است * او الله است، خالق، نوآفرین، نقش بند [بی نظیر] برای او نام های نیک است، آنچه در آسمانها و زمین است تسبیح او می گویند، و او پیروزمند حکیم است} [حشر: ۲۴-۲۲]،

از مَعْقِلِ بْنِ یَسَارٍ - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«هر کس هنگام صبح سه بار بگوید: اَعُوذُ بِاللّٰهِ السَّمِیْعِ الْعَلِیْمِ مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیْمِ، و سه آیه پایانی سوره حشر را بخواند الله هفتاد هزار ملائکه را بر او موکل می سازد که تا هنگام شام بر او درود بفرستند (دعا کنند) و اگر آن روز از دنیا برود شهید از دنیا رفته و کسی که هنگام شام چنین کند چنین منزلتی خواهد داشت».

به روایت احمد.

(6) خواندن سوره {قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ} و {قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ} و {قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ} سه بار.

از عبدالله بن حُبَیْب - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم خطاب به او فرمودند: «بگو» گفت: چه بگویم؟ فرمود: «سوره {قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ} و معوذتین را هنگام شام و صبح سه بار بگو تا تو از هر چیزی کفایت کنی». به روایت ابوداود و نسائی و ترمذی. ترمذی می گوید: حسن صحیح است.

(7) سه بار گفتن «اَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ» (پناه می برم به کلمات کامل الله از شر آنچه آفریده است).

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: مردی به نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد و گفت: ای رسول الله، چه دردی کشیدم از عقربی که دیشب مرا گزید! فرمود: «در صورتی که هنگام شام می گفتمی: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ، زیانی به تو نمی رساند». مسلم آن را روایت کرده است.

8) سه بار گفتن «بِاسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ، وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (به نام الله که با نام او هیچ چیز در زمین و آسمان زیانی نمی رساند، و اوست شنوای بینا).

از عثمان بن عفان - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «بنده ای نیست که صبح هر روز و شام هر شب سه بار بگوید: بِاسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ، از چیزی زیان نخواهد دید». به روایت ترمذی؛ او می گوید: حدیثی حسن صحیح است و ابوداود نیز آن را با این لفظ روایت کرده است: «بِلائی ناگهانی به او نخواهد رسید».

9) سه بار گفتن: «رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا، وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا، وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَبِيًّا» (به پروردگاری الله و به اسلام به عنوان دین و به پیامبری محمد صلی الله علیه وسلم خشنود شدم).

از ثوبان - رضی الله عنه - روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «کسی که هنگام شام بگوید: رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا، وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا، وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَبِيًّا، این حق است بر الله که او را خشنود سازد».

به روایت ترمذی و نزد ابوداود و دیگران [به جای وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا] چنین آمده که: «وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا».

10) «أَصْبَحْنَا وَأَصْبَحَ الْمَلَكُ لِلَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، رَبِّ أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا فِي هَذَا الْيَوْمِ

وَخَيْرَ مَا بَعْدَهُ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا فِي هَذَا الْيَوْمِ وَشَرِّ مَا بَعْدَهُ، رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ
 الْكَسَلِ وَالْهَرَمِ وَسَوْءِ الْكِبَرِ، رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ فِي النَّارِ وَعَذَابِ فِي الْقَبْرِ» (ما و
 تمام جهانیان، شب را برای الله به صبح رساندیم؛ و حمد و ستایش از آن الله است؛
 هیچ معبود بر حقی جز الله که یکتاست و شریکی ندارد، وجود ندارد. پروردگارا، از
 تو خیر آنچه در این روز و آنچه بعد از این روز است را می طلبم و از شر آنچه در
 این روز و بعد از آن است به تو پناه می جویم. پروردگارا، من از تنبلی و کسالت و
 ضعف و بدحالی کهنسالی به تو پناه می برم. پروردگارا، به تو پناه می برم از عذاب
 آتش دوزخ و عذاب قبر).

و در هنگام شام به جای «أَصْبَحْنَا وَأَصْبَحَ» می گوید: «أَمْسَيْنَا وَأَمْسَى الْمَلِكُ
 إِلَيْهِ»، و به جای «هَذَا الْيَوْمِ» می گوید: «رَبِّ أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ».

از عبدالله بن مسعود - رضی الله عنهما - روایت است که پیامبر صلی الله
 علیه وسلم هنگام شام می فرمودند: «أَمْسَيْنَا وَأَمْسَى الْمَلِكُ إِلَيْهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، لَا إِلَهَ
 إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، رَبِّ
 أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَخَيْرَ مَا بَعْدَهَا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ
 وَشَرِّ مَا بَعْدَهَا، رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْهَرَمِ وَسَوْءِ الْكِبَرِ، رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ
 عَذَابِ فِي النَّارِ وَعَذَابِ فِي الْقَبْرِ» (ما و تمام جهانیان، روز را برای الله به شب
 رساندیم؛ و حمد و ستایش از آن الله است؛ هیچ معبود بر حقی جز الله که
 یکتاست و شریکی ندارد، وجود ندارد. پروردگارا، از تو خیر آنچه در این شب
 و آنچه بعد از این شب است، می طلبم و از شر آنچه در این شب و بعد از آن
 است به تو پناه می جویم. پروردگارا، من از تنبلی و کسالت و ضعف و بدحالی
 کهنسالی به تو پناه می برم. پروردگارا، به تو پناه می برم از عذاب آتش دوزخ
 و عذاب قبر). و چون صبح می کرد می فرمود: «أَصْبَحْنَا، وَأَصْبَحَ الْمَلِكُ
 إِلَيْهِ...». مسلم آن را روایت کرده است.

(11) «اللَّهُمَّ بِكَ أَصْبَحْنَا، وَبِكَ أَمْسَيْنَا، وَبِكَ نَحْيَا، وَبِكَ نَمُوتُ، وَإِلَيْكَ النُّشُورُ»
 (خداوند با [باری و حول و قوه و نعمت تو] شب را به صبح رساندیم و با تو صبح

را به شب رساندیم، و با [نام] تو زندگی می کنیم و با [نام] تو می میریم و رستاخیز [ما] به سوی توست). و در شام می فرمود: «اللَّهُمَّ بِكَ أَمْسَيْنَا، وَبِكَ أَصْبَحْنَا، وَبِكَ نَحْيَا وَبِكَ نَمُوتُ، وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ» (خداوندا با [تعمت و حول و قوه تو] صبح را به شب رساندیم و با تو شب را به صبح و با [نام] تو زندگی می کنیم و با [نام] تو می میریم و فرجام به سوی توست).

زیرا از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم هرگاه شب را به صبح می رساندند می فرمودند: «اللَّهُمَّ بِكَ أَصْبَحْنَا، وَبِكَ أَمْسَيْنَا، وَبِكَ نَحْيَا، وَبِكَ نَمُوتُ، وَإِلَيْكَ النُّشُورُ»، و چون صبح را به شام می رساندند می فرمودند: «اللَّهُمَّ بِكَ أَمْسَيْنَا، وَبِكَ أَصْبَحْنَا، وَبِكَ نَحْيَا وَبِكَ نَمُوتُ، وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ». این از روایتی نزد ابوداود و ترمذی و ابن ماجه است.

و در روایتی دیگر آمده که ایشان اصحاب خود را امر می کردند که چنین بگویند.

12) «اللَّهُمَّ مَا أَصْبَحَ بِي مِنْ نِعْمَةٍ، أَوْ بِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فَمِنْكَ وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، فَلَاكَ الْحَمْدُ، وَلَكَ الشُّكْرُ» (خداوندا هر نعمتی که در این صبحگاه به من یا کسی از خلق تو رسیده تنها از توست که شریکی نداری، پس حمد و شکر از آن توست). و به هنگام شام [به جای ما أَصْبَحَ بِي] می گوید: «مَا أَمْسَى بِي».

زیرا از عبدالله بن غنّام - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «کسی که هنگام صبحگاه بگوید: اللَّهُمَّ مَا أَصْبَحَ بِي مِنْ نِعْمَةٍ، أَوْ بِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فَمِنْكَ وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، فَلَاكَ الْحَمْدُ، وَلَكَ الشُّكْرُ، شُكْرُ آن روز را به جا آورده و کسی که این را به هنگام شام بگوید شکر شبش را به جا آورده است». این حدیث را ابوداود با سندی جید که آن را ضعیف ندانسته روایت کرده است. این را [نوی] در کتاب الأذکار گفته است.

13) سه بار گفتن: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ مِنْكَ فِي نِعْمَةٍ وَعَافِيَةٍ وَسَبَّحْتُ فَاتَمَّ عَلَيَّ نِعْمَتُكَ وَعَافِيَتُكَ وَسَبَّحْتُكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» (ای الله من در نعمت و عافیت و پوششی

از تو شب را به صبح رساندم، پس نعمت و عافیت و پوشش خود را در دنیا و آخرت بر من کامل گردان) و در هنگام شام [به جای اللّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ] می گوید: «اللّهُمَّ إِنِّي أَمْسَيْتُ...».

زیرا از ابن عباس - رضی الله عنهما - روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هر که هنگام صبح سه بار بگوید: اللّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ مِنْكَ فِي نِعْمَةٍ وَعَافِيَةٍ وَسِتْرٍ فَأَتَمَّ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ وَعَافِيَتَكَ وَسِتْرَكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، و این را هنگام صبح و شام بگوید، بر الله حقی است که نعمتش را بر او کامل گرداند.» به روایت ابن السنی.

(14) «اللّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحَزَنِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُبْنِ وَالْبُخْلِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ غَلْبَةِ الدِّينِ وَقَهْرِ الرِّجَالِ» (یا الله من از غم و دلمشغولی به تو پناه می آورم و از ناتوانی و تنبلی به تو پناه می آورم، و از بزدلی و بخل به تو پناه می آورم، و از غلبه بدهکاری و قهر و تسلط مردان به تو پناه می آورم).

زیرا از ابوسعید خدری - رضی الله عنه - روایت شده که پیامبر صلی الله علیه وسلم به یکی از مردان انصار فرمودند: «آیا به تو سخنی را یاد ندهم که اگر آن را بگویی الله عزوجل نگرانی ات را از بین می برد و قرضت را از تو پرداخت می کند؟» گفت: آری یا رسول الله. فرمود: «هنگام صبح و هنگام شام بگو: اللّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحَزَنِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُبْنِ وَالْبُخْلِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ غَلْبَةِ الدِّينِ وَقَهْرِ الرِّجَالِ.» به روایت ابوداود.

(15) «اللّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اللّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَأَهْلِي وَمَالِي، اللّهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَاتِي، وَأَمِنْ رَوْعَاتِي، اللّهُمَّ احْفَظْنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيْ، وَمِنْ خَلْفِي، وَعَنْ يَمِينِي، وَعَنْ شِمَالِي، وَمِنْ فَوْقِي، وَأَعُوذُ بِعَظْمَتِكَ أَنْ أُغْتَالَ مِنْ تَحْتِي» (بار الها، عافیت و تندرستی در دین و دنیا و خانواده و مال را

از تو می خواهم؛ بار الها، عیب هایم را بپوشان و هراس هایم را به امنیت و آرامش خاطر تبدیل کن و مرا از جلو و پشت سر و از راست و چپ و از بالا حفاظت نما؛ به عظمت تو پناه می برم که از زیر پایم ربوده [و دچار لغزش] شوم).

زیرا از عبدالله بن عمر - رضی الله عنهما - روایت است که گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم این دعاها را هنگام شام و هنگام صبح ترک نمی کردند: ۱۵-
 «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَأَهْلِي وَمَالِي، اللَّهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَاتِي، وَآمِنْ رُوعَاتِي، اللَّهُمَّ احْفَظْنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيْ، وَمِنْ خَلْفِي، وَعَنْ يَمِينِي، وَعَنْ شِمَالِي، وَمِنْ فَوْقِي، وَأَعُوذُ بِعَظَمَتِكَ أَنْ أُغْتَالَ مِنْ تَحْتِي» به روایت ابوداود و نسائی و ابن ماجه. حاکم می گوید: این حدیث صحیح است.

16) «اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَلَقْتَنِي وَأَنَا عَبْدُكَ، وَأَنَا عَلَى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ، أَبُوءُ لَكَ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَأَبُوءُ لَكَ بِدُنْيَايَ، فَأَغْفِرْ لِي، فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ» (بار الها، تو پروردگار من هستی؛ هیچ معبود بر حقی جز تو وجود ندارد؛ تو، مرا آفریده ای و من بنده توام و در حد توانم بر عهد و پیمانی که با تو بسته ام، پایبندم و به نویدی که داده ای، یقین دارم. از شر اعمال خویش به تو پناه می آورم و به نعمت هایی که به من داده ای، اعتراف می کنم و به گناهان خویش اقرار دارم؛ پس مرا ببامرز که کسی جز تو گناهان را نمی آمرزد).

زیرا از شداد بن اوس - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «بزرگترین دعای طلب آمرزش این است که بگویی: اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، خَلَقْتَنِي وَأَنَا عَبْدُكَ، وَأَنَا عَلَى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ، أَبُوءُ لَكَ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَأَبُوءُ لَكَ بِدُنْيَايَ، فَأَغْفِرْ لِي، فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ.» کسی که این را به هنگام روز از روی یقین بگوید و همان روز پیش از شام از دنیا برود از اهل بهشت است و کسی که شب هنگام

و از روی یقین آن را بگوید و پیش از صبح از دنیا برود از اهل بهشت است» بخاری آن را روایت کرده است.

17 ﴿اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِيكُهُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي، وَشَرِّ الشَّيْطَانِ وَشِرْكِهِ، وَأَنْ أَقْتَرَفَ عَلَى نَفْسِي سُوءًا، أَوْ أَجُرَّهُ إِلَى مُسْلِمٍ﴾ (بار الها ای آفریدگار آسمان ها و زمین، آگاه به آشکار و نهان؛ پروردگار و مالک همه چیز؛ گواهی می دهم که معبود بر حقی جز تو نیست؛ به تو پناه می آورم از شر نفسم و شر شیطان و شرک او. از اینکه به خودم بد کنم - و مرتکب گناه شوم- یا از اینکه به مسلمانی بد کنم، به تو پناه می آورم).

زیرا از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت است که ابویکر صدیق - رضی الله عنه - فرمود: ای رسول خدا مرا به گفتن کلماتی امر کن که هنگام صبح و شام بگویم. فرمود: «بِكَوَاللَّهِمَّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِيكُهُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي، وَشَرِّ الشَّيْطَانِ وَشِرْكِهِ [۱]» به روایت ابوداود و ترمذی. ترمذی می گوید: حسن صحیح است.¹

و ابوداود به نقل از ابومالک اشعری - رضی الله عنه - افزوده است: «وَأَنْ نَقْتَرِفَ سُوءًا عَلَى أَنْفُسِنَا، أَوْ نَجُرَّهُ إِلَى مُسْلِمٍ» (و اینکه در حق خود بدی کنیم یا آنکه به مسلمانی بد کنیم).

1 [به کسر شین و سکون راء (شِرْكَه) بر وزن «فِعْلَةٌ» یعنی آن شرکی که شیطان بدان فرا می خواند. این کلمه به فتح شین و راء هم روایت شده (شِرْكَه) بر وزن سَبَبَه، یعنی تورها و دام های شیطان. (مؤلف)

18) چهار بار بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ أَشْهَدُكَ، وَأَشْهَدُ حَمَلَةَ عَرْشِكَ وَمَلَائِكَتَكَ وَجَمِيعَ خَلْقِكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَأَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ» (پروردگار من [در این] صبحگاه تو را و حاملان عرش تو را و ملائکه تو و همه آفریدگانت را شاهد می گیرم که تویی آن الله که مبعودی [به حق] جز تو نیست و اینکه محمد بنده و پیامبر توست» و در هنگام شام [به جای اللهم انی اصبحت] بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَمْسَيْتُ...».

زیرا از انس بن مالک - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هر کس هنگام صبح یا شام بگوید: اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ أَشْهَدُكَ، وَأَشْهَدُ حَمَلَةَ عَرْشِكَ وَمَلَائِكَتَكَ وَجَمِيعَ خَلْقِكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَأَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ؛ الله یک چهارم او را از دوزخ نجات می دهد و کسی که آن را دو بار بگوید الله نیمی از او را از دوزخ آزاد می کند و کسی که آن را سه بار بگوید الله سه چهارم او را از دوزخ آزاد می کند پس اگر آن را چهار بار بگوید الله او را از آتش دوزخ آزاد خواهد کرد» نووی می گوید: ابوداؤد آن را با سندی جید روایت کرده و تضعیفش نکرده است.

19) صد بار گفتن: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» به هنگام صبح یا شام.

20) هفت بار گفتن: «حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ، وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ» (الله برایم کافی است همان ذاتی که معبود برحق جز او نیست، فقط بر او اعتماد کرده ام، و او سبحانه پروردگار عرش بزرگ است).

21) «حَسْبِيَ اللَّهُ وَكَفَى، سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ دَعَا، لَيْسَ وَرَاءَ اللَّهِ مَرْمَى» (الله برایم کافی است و بس، و الله آنکه دعایش را کند می شنود، و در ورای الله هدفی نیست).

22) صد بار گفتن «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ» در صبح یا شام یا در هر دو هنگام.

زیرا از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «کسی که به هنگام صبح و شام صد بار سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ

بگوید کسی در روز قیامت بهتر از آنچه او آورده نخواهد آورد مگر آنکه همانند او یا بیشتر از او گفته باشد». مسلم آن را روایت کرده است.

(23) صد بار گفتن «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ».

(24) از عبدالله بن عباس - رضی الله عنهما - روایت است که پیامبر صلی

الله علیه وسلم فرمودند: «هر که صبح هنگام بگوید:

﴿فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ﴾^(۱۷) وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ﴾ [الروم: 17-18]

(پس الله را به پاکی ستایش کنید، آنگاه که به شب درمی آید و آن دم که به صبح می رسید * و عصرگاهان و هنگامی که به نیم روز می رسید) هر آنچه آن روز از دست داده را به دست می آورد و هر که هنگام شام آن را بگوید هر آنچه شبش از دست داده را به دست می آورد» به روایت ابوداود و بخاری آن را ضعیف دانسته است.

می گویم: اگر این حدیث صحیح باشد این اجر را می برد و گرنه ثواب تلاوت را به دست خواهد آورد.

(25) و از ابومالک اشعری - رضی الله عنه - از پیامبر صلی الله علیه

وسلم روایت است که فرمودند:

«هرگاه کسی از شما شب را به صبح رساند بگوید: أَصْبَحْنَا وَأَصْبَحَ الْمَلِكُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذَا الْيَوْمِ؛ فَتَحَهُ وَنَصَرَهُ وَنُورَهُ وَبَرَكَتَهُ وَهُدَاهُ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا فِيهِ، وَشَرِّ مَا بَعْدَهُ. (در حالی صبح نمودیم که ملک از آن الله پروردگار جهانیان است، بارالها من از تو خیر این روز را می خواهم و گشایش و پیروزی و نور و برکت و هدایتش را و به تو پناه می برم از شر

آنچه در آن است و شر بعد آن) سپس هر گاه شام شد مانند آن بگوید». به روایت ابوداود با سندی که آن را ضعیف ندانسته است.

(26) و از عبدالرحمن بن ابوبکره از پدرش روایت است که او به پدرش گفت:

پدرم، من بسیار از تو می شنوم که این دعا را می گویی: «اللَّهُمَّ عَافِنِي فِي بَدَنِي، اللَّهُمَّ عَافِنِي فِي سَمْعِي، اللَّهُمَّ عَافِنِي فِي بَصَرِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْفَقِيرِ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ» (الها مرا در بدنم عافیت ده، الها مرا در بینایی ام عافیت ده، الها من از کفر و فقر به تو پناه می آورم، الها من از عذاب قبر به تو پناه می آورم، معبودی [به حق] جز تو نیست) و این را سه بار هنگام صبح و سه بار هنگام شام می گویی؟ گفت: من از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که اینگونه دعا می کرد و دوست دارم که بر اساس سنت او رفتار کنم. به روایت ابوداود.

(27) و از یکی از دختران پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم این دعا را یاد می دادند و می فرمودند:

«هنگام صبح بگو: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ، وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ (پاک و منزّه است الله و ستایش او را می گویم، نیرویی نیست مگر با [یاری] الله، آنچه الله بخواهد می شود و آنچه نخواهد نمی شود) کسی که صبح اینها را بگوید تا شام حفظ می شود و کسی که هنگام شام اینها را بگوید تا صبح محافظت می شود.» به روایت ابوداود.

(28) و از انس - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم خطاب به فاطمه فرمودند:

«چه مانع می شود که توصیه مرا گوش فرا دهی و هنگام صبح و شام بگویی: يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيْثُ، أَصْلِحْ لِيْ شَأْنِيْ كُلَّهُ، وَلَا تَكُنْ لِيْ إِلَى نَفْسِيْ طَرْفَةَ عَيْنٍ» به روایت ابن السنی.

(29) و از ابودرداء - رضی الله عنه - از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند:

«کسی که این را در آغاز روز بگوید تا شام به او مصیبتی نمی رسد و کسی که آن را در پایان روز بگوید تا صبح به او مصیبتی نمی رسد؛ بگوید: اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَأَنْتَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، مَا شَاءَ اللَّهُ كَانُ، وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ».

(خداوندا تو پروردگار منی، معبودی [به حق] جز تو نیست، بر تو توکل کردم و تو پروردگار عرش بزرگی، هر چه الله بخواهد می شود و هر چه نخواهد نمی شود، نیرو و توانایی نیست مگر از سوی الله والای بزرگ، می دانم که الله بر هر چیزی تواناست و اینکه علم الله هر چیزی را در بر گرفته است. خداوندا من از شر نفس خود و از شر هر جنبنده ای که پیشانی اش به دست توست به تو پناه می آورم، پروردگارم بر راه راست است.) به روایت ابن السنی.

فصل چهارم : درباره ذکر مقید به یک حالت خاص

که بر چند نوع است:

نوع اول: ذکر خوردن و نوشیدن و پوشیدن:

شایسته مؤمن است که هنگام خوردن و نوشیدن و پوشیدن نعمت الله را که این ها را برایش فراهم ساخته و حلال ساختنش را در دنیا و خالص ساختنش را

در آخرت به یاد آورد؛ زیرا الله تعالی این نعمت را بر بسیاری از مردم حرام ساخته است، که این یا تحریم شرعی است مانند کافران و منافقان که اگرچه از نعمت ها بهره می برند اما در روز قیامت برای آن بازخواست و محاسبه می شوند، زیرا حق تعالی می فرماید:

﴿... قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ...﴾ [الأعراف:

32]

{بگو این [نعمت‌ها] در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده اند [و اگر چه کافران نیز از آنها بهره مندند،] روز قیامت، مخصوص [مؤمنان] خواهد بود} [اعراف: ۳۲]،

و این سخن حق تعالی که:

{بر کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند گناهی در آنچه خورده اند نیست؛ [البته] در صورتی که تقوا پیشه کنند} [مائده: ۹۳]، و یا این تحریم، تحریم قدری است یعنی دستیابی به آن را برایشان میسر نساخته و یا میسر ساخته اما به دلیل بیماری و عوامل مانند آن نتوانسته اند به آن دست یابند. همچنین شایسته است ذکر وارده در این مورد را بگوید یعنی در آغاز خوردن و نوشیدن بگوید: «بسم الله» و هنگام پایانش بگوید: «الحمد لله».

زیرا از عایشه - رضی الله عنها - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هرگاه کسی از شما چیزی خورد نام الله را به یاد آورد (بسم الله بگوید) پس اگر در آغاز یادش رفت که نام الله را بگوید [هر گاه یادش آمد] بگوید: بِاسْمِ اللَّهِ أَوْلَهُ وَآخِرُهُ». به روایت ابوداود و ترمذی. ترمذی می گوید: حسن صحیح است. و نام بردن از الله هنگام خوردن و نوشیدن به دلیل امر پیامبر

صلی الله علیه وسلم واجب است. و به دلیل آنکه اگر بسم الله نگویید شیطان شریک
غذای او می شود،

بنابر حدیث حذیفه - رضی الله عنه - که پیامبر صلی الله علیه وسلم
فرمودند: «شیطان [خوردن از] غذا را در صورتی که نام الله بر آن برده نشود
[برای خود] حلال می داند». مسلم آن را روایت کرده است.

و از انس بن مالک - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله صلی الله
علیه وسلم فرمود: «همانا الله متعال از بنده ای که خوردنی بخورد، و الحمد لله
بگوید، یا نوشیدنی بنوشد، و الحمد لله بگوید، خشنود می شود». مسلم آن را
روایت کرده است.

و از ابوامامه - رضی الله عنه - از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است
که فرمودند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ، غَيْرَ مَكْفِيٍّ، وَلَا مُودَعٍ، وَلَا مُسْتَعْنَى
عَنْهُ رَبَّنَا» (حمد و ستایش بسیار، خالص و پاک از آن الله پروردگار ماست که
نیازمند هیچ یک از مخلوقاتش نیست و هرگز [از سوی بندگان] ترک نمی شود
و انسان از او بی نیاز نیست). بخاری آن را روایت کرده است.

و از معاذ بن انس - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله صلی الله
علیه وسلم فرمودند: «کسی که غذایی را بخورد سپس بگوید: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
أَطْعَمَنِي هَذَا وَرَزَقَنِيهِ مِنْ غَيْرِ حَوْلٍ مِنِّي وَلَا قُوَّةٍ (ستایش از آن الله است که این
[غذا] را به من خوراند و آن را بدون توان و قدرتی از سوی خودم به من
روزی داد) گناهان گذشته اش آمرزیده می شود». به روایت ابوداود و ابن
ماجه و ترمذی. ترمذی می گوید: حسن است.

و از مردی که هشت سال خدمت پیامبر صلی الله علیه وسلم را می کرد
روایت است که وی می شنید هر گاه غذایی را برای پیامبر صلی الله علیه
وسلم می آوردند می فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ»، و چون از خوردن غذا فارغ می شدند

می فرمودند: «اللَّهُمَّ اطْعَمْتَ وَأَسْقَيْتَ، وَأَغْنَيْتَ، وَأَقْنَيْتَ، وَهَدَيْتَ، وَأَحْيَيْتَ، فَلَاكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا أُعْطَيْتَ» (خداوندا خوراندی و نوشاندی و بی نیاز کردی و بخشیدی و هدایت کردی و زنده ساختی، پس برای هر آنچه عطا کردی تو را ستایش می گویم). به روایت نسائی.

و از ابوسعید خُدَری رضی الله عنه روایت است که گفت: هرگاه پیامبر لباسی جدید تهیه می کرد آن را اگر عمامه بود یا پیراهن یا ردا نام می برد و سپس می فرمود: «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ، أَنْتَ كَسَوْتَنِيهِ، أَسْأَلُكَ خَيْرَهُ، وَخَيْرَ مَا صُنِعَ لَهُ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ، وَشَرِّ مَا صُنِعَ لَهُ» (بارالها تو را ستایش گویم که تو این را بر من پوشاندی، از تو خیر آن را می خواهم و خیر آنچه برایش ساخته شده و به تو از شر آن پناه می برم و شر آنچه برایش ساخته شده). به روایت ابوداود و ترمذی. ترمذی می گوید: این حدیثی حسن است.

و از مُعَاذِ بْنِ أَنَسٍ - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «كَيْسَى كَمَا أَطْعَمْتَنِي بِهَا بَخُورِدٍ سَبَسَ بِكَوَيْدٍ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَنِي هَذَا وَرَزَقَنِيهِ مِنْ غَيْرِ حَوْلٍ مِنِّي وَلَا قُوَّةٍ (ستایش از آن الله است که این [غذا] را به من خوراند و آن را بدون توان و قدرتی از سوی خودم به من روزی داد) گناهان گذشته اش آمرزیده می شود». به روایت ابن السنی.

نوع دوم: ذکر برای قضای حاجت:

خارج شدن فضلات غذا و آب و هوا از نعمت هایی است که الله به بنده اش ارزانی داشته و شایسته شکر است، و از آنجایی که محل قضای حاجت به دلیل خبثت و ناپاکی اش محل شیاطین است و ناپاکی ها برای ناپاکان است، پیامبر صلی الله علیه و سلم هنگام وارد شدن به این اماکن دعاهایی می کرد که مناسب آن بود.

از انس بن مالک - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم هرگاه می خواستند وارد خلا شوند می فرمودند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخُبْثِ وَالْخَبَائِثِ» (بار الها از شر شیاطین نر و ماده، [یا هر پلیدی و نا پاکی دیگر] به تو پناه می برم). متفق علیه.

عمری نیز این حدیث را از طریق عبدالعزیز بن مختار با این لفظ روایت کرده است که:

«هر گاه وارد خلا شدید بگویید: بِاسْمِ اللَّهِ، أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْخُبْثِ وَالْخَبَائِثِ».

سند او بنابر شرط مسلم صحیح است. این را [حافظ ابن حجر] در فتح الباری (۲۴۴/۱) گفته است.

عائشه - رضی الله عنها - روایت کرده که: پیامبر صلی الله علیه و سلم هنگامی که از خلا بیرون می آمدند می گفتند: «عُفْرَانُكَ» (مغفرت تو را خواهانم). به روایت پنج [امام] به جز نسائی. و از انس - رضی الله عنه - روایت کرده که: پیامبر صلی الله علیه و سلم هنگامی که از خلا بیرون می آمدند می گفتند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنِّي الْأَدَى وَ عَافَانِي» (ستایش الله را که آزار را از من دور ساخت و مرا عافیت بخشید). به روایت ابن ماجه.

نوع سوم: اذکار خواب:

اذکار پیش از خواب:

1- در داستان ابوهریره رضی الله عنه که پیامبر صلی الله علیه وسلم محافظت از اموال زکات را به ایشان سپرده بود آمده که، به ابوهریره گفته شد: چون به رختخواب رفتی آیه الکرسی را بخوان زیرا همواره بر تو محافظی از سوی الله خواهد بود و تا صبح شیطانی به تو نزدیک نخواهد شد، پس پیامبر صلی الله علیه

وسلم فرمود: «او بسیار دروغگوست اما به تو راست گفت». بخاری آن را روایت کرده است.

2- و از عایشه - رضی الله عنها - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم هر شب هنگام رفتن به رختخواب دستانش را جمع می کرد و سپس در آن می دمید و این [سوره ها] را می خواند:

﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ [الإخلاص: 1]

{بگو: اوست خدای یکتا،} [اخلاص: 1]

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ [الفلق: 1]

{بگو: به پروردگار صبحگاه پناه می برم} [فلق: 1]

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ [الناس: 1]

{بگو: به پروردگار مردم پناه می برم} [ناس: 1]

سپس با دستانش هر جای بدنش را که می توانست مسح می کرد و از سر و چهره و سپس بخش جلوی بدن آغاز می کرد و این را سه بار انجام می داد. متفق علیه.

3- و از انس - رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم هرگاه به بستر می رفتند می فرمودند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَنَا وَسَقَانَا، وَكَفَانَا وَأَوَانَا، فَكَمْ مِمَّنْ لَا كَافِيَ لَهُ وَلَا مُؤْوِيَّ» (حمد و ستایش ویژه الله است که ما را خوراک و آب داد و کفایت کرد و پناهمان داد؛ چه بسیار کسانی که نه کفایت کننده ای دارند و نه پناه دهنده ای). به روایت مسلم و ابوداود و ترمذی.

4- و از ابوهریره - رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم هرگاه به بستر می رفتند می فرمودند: «اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ وَرَبَّ الْأَرْضِ وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، رَبَّنَا وَرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ، فَالِقَ الْحَبِّ وَالنَّوَى، وَمُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْفُرْقَانِ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْءٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الْآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ، أَفْضِلْ عَلَيْنَا الدِّينَ، وَأَغْنِنَا مِنَ الْفَقْرِ» (ای الله، ای پروردگار آسمان ها و پروردگار زمین و پروردگار عرش بزرگ، ای پروردگار ما و پروردگار هر چیز، ای شکافنده دانه و هسته و نازل کننده تورات و انجیل و فرقان، از شر هر آنچه تحت قدرت و سلطه توست به تو پناه می آورم. خداوند تویی آن اول که پیش از تو چیزی نیست و تویی آن آخر که پس از تو چیزی نیست و تویی آن آشکار که بالاتر از تو چیزی نیست و تویی آن باطن که چیزی از [علم و قدرت و سمع و بصر و دیگر صفات] تو پنهان نیست [و چیزی نزدیک تر از تو نیست]، قرض ما را ادا کن و ما را از فقر بی نیازی عطا کن). به روایت مسلم و ابوداؤد.

5- و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هرگاه کسی از شما به رختخوابش رفت، رختخوابش را با داخل ازارش بتکاند (تمیز کند) زیرا او نمی داند که پس از او چه آنجا بوده است، سپس بگوید: بِاسْمِكَ رَبِّي وَضَعْتَ جَنْبِي، وَبِكَ أَرْفَعُهُ، إِنْ أَمْسَكَتَ نَفْسِي فَأَرْحَمَهَا، وَإِنْ أَرْسَلْتَهَا فَأَحْفَظْهَا بِمَا تَحْفَظُ بِهِ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ» (به نام تو پروردگارم پهلویم را [بر رختخواب] می گذارم و به نام تو آن را بلند می کنم، اگر جانم را گرفتی پس آن را مورد رحمت خود قرار ده و اگر رهایش ساختی آن را با آنچه بندگان صالحت را حفظ می کنی، حفظ کن). به روایت بخاری و مسلم.

و در روایتی دیگر از آنها لفظ «فَاعْفِرْ لَهَا» آمده است و اسماعیل بن امیه این دو را با هم یکجا آورده است چنانکه در فتح الباری (۳/۳۸۰) آمده است.

و در روایتی نزد بخاری آمده که: «سه بار با لباسش آن را بتکاند».

و نزد مسلم آمده که: «با آن رختخوابش را بتکاند و نام الله را ببرد زیرا که او را نمی داند».

6- و از ابن عمر - رضی الله عنهما - روایت است که ایشان مردی را امر کردند که هرگاه به رختخواب می رود بگوید: «اللَّهُمَّ خَلَقْتَ نَفْسِي، وَأَنْتَ تَوَفَّاهَا، لَكَ مَمَاتُهَا وَمَحْيَاهَا، إِنَّ أَحْيَيْتَهَا فَأَحْفَظْهَا، وَإِنْ أَمَتَهَا فَاعْفُرْ لَهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ» (بارالها تو جان مرا آفریدی و تو آن را می ستانی، مرگ و زندگی اش برای توست، اگر آن زنده نگه داشتی پس آن را حفظ کن، و اگر آن را میراندی آن را بیماریز، بارالها من از تو عافیت را خواهانم). و ابن عمر بیان کرده که این را از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیده است. به روایت مسلم.

7- و از حفصه - رضی الله عنها - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم هر گاه می خواست بخوابد دست راستش را زیر گونه اش می گذاشت، سپس می فرمود: «اللَّهُمَّ قِنِي عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَكَ» (بارالها مرا از عذاب خود در روزی که بندگان را برانگیخته می سازی حفظ کن). به روایت ابوداود و ترمذی و این روایت چنانکه وی در «الأداب» گفته حسن است.

8- و از علی - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم خطاب به ایشان و فاطمه - رضی الله عنها - فرمودند:

«هرگاه به رختخواب رفتید سی و سه بار تکبیر و سی و سه بار تسبیح و سی و سه بار الحمد لله بگوید که این برای شما بهتر از خدمتکار است»،

و در روایتی سی و چهار بار تکبیر آمده است.

9- و از حذیفه - رضی الله عنه - روایت است که گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم هر گاه شب به رختخواب می رفتند دست خود را زیر گونه می گذاشتند

سپس می فرمودند: «اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ أَمُوتُ وَأَحْيَا» (بارالها به نام تو می میرم و زنده می شوم) و چون بیدار می شد می فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانَا بَعْدَ مَا أَمَاتَنَا، وَإِلَيْهِ النُّشُورُ» (ستایش خاص الله است که ما را پس از آن میراند زنده کرد و زنده شدن پس از رستاخیز به سوی اوست). به روایت بخاری.

و این روایت نزد مسلم از براء - رضی الله عنه - آمده است.

10- و از براء بن عازب - رضی الله عنه - روایت است که گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم هرگاه به رختخواب می رفت بر پهلو راست خود می خوابید و سپس می فرمود:

«اللَّهُمَّ أَسَلَمْتُ نَفْسِي إِلَيْكَ، وَوَجَّهْتُ وَجْهِي إِلَيْكَ، وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ، وَأَلْجَأْتُ ظَهْرِي إِلَيْكَ رَغْبَةً وَرَهْبَةً إِلَيْكَ، لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنَاجِيَ مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ، آمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ، وَبِنَبِيِّكَ الَّذِي أُرْسَلْتُ» (بارالها من جان خود را به تو سپردم و رویم را به سوی تو نمودم و کارم را به تو موکول کردم و پناهم را به تو دادم [و این] از روی رغبت و رهبت به تو است، پناهگاهی و نجاتگاهی از تو نیست مگر به سوی خودت، به کتابت که نازل کردی ایمان آوردم و به پیامبری که فرستادی ایمان آوردم). بخاری آن را روایت کرده است. وی [یعنی بخاری]

و مسلم از براء - رضی الله عنه - روایت کرده اند که پیامبر صلی الله علیه وسلم خطاب به ایشان فرمودند: «هرگاه خواستی به رختخواب بروی چنانکه برای نماز وضو می سازی وضو بساز سپس بر پهلو راستت بخواب سپس بگو...» و همانند آن را بیان کرد و فرمود: «این ها را آخرین سخنانت بگردان، پس اگر آن شب از دنیا رفتی در حال فطرت از دنیا رفته ای».

و در روایتی آمده که پیامبر صلی الله علیه وسلم مردی را به این کار امر کرد و افزود: «و اگر صبح کردی، خیری را به دست آورده ای».

اذکار پس از برخاستن از خواب:

1- از حذیفه بن یمان - رضی الله عنهما - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم هنگام برخاستن از خواب می فرمودند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانَا بَعْدَ مَا أَمَاتَنَا، وَإِلَيْهِ النُّشُورُ» (ستایش مخصوص الله است که ما را پس از آنکه میراند، زنده گرداند و رستاخیز به سوی اوست). بخاری آن را روایت کرده است.

و این روایت نزد مسلم از براء - رضی الله عنه - آمده است.

2- و از ابوهریره - رضی الله عنه - از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «هرگاه کسی از شما برخاست بگوید: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَدَّ عَلَيَّ رُوحِي، وَعَافَانِي فِي جَسَدِي، وَأَذِنَ لِي بِذِكْرِهِ» (ستایش ویژه الله است که روح را به من بازگرداند و مرا در بدنم عافیت بخشید و اجازه داد ذکر او گویم). به روایت ابن السنی. وی در «الأذکار» می گوید: با سند صحیح، و ترمذی از حدیث وی روایت کرده و گفته است: حدیثی است حسن.

3- و از ابن عباس - رضی الله عنهما - روایت است که وی شبی را نزد خاله اش میمونه - رضی الله عنها - همسر سول الله صلی الله علیه وسلم گذارند، پس رسول الله صلی الله علیه وسلم خوابیدند تا آنکه شب به نیمه رسید، یا کمی قبل یا کمی بعد از آن، از خواب بیدار شد، و با دستانش خواب را از چهره اش پاک کرد - و در روایتی دیگر: نشست و به آسمان نگاه کرد - سپس ده آیه پایانی سوره آل عمران را خواند... تا پایان حدیث بخاری و مسلم در روایت آن اتفاق دارند.

4- و از عباده بن صامت - رضی الله عنه - از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «کسی که شب از خواب بیدار شود و بگوید: «لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد، وهو على كل شيء قدير، الحمد لله، وسبحان الله، ولا إله إلا الله، والله أكبر، ولا حول ولا قوة إلا بالله» سپس

بگوید: «اللهم اغفر لي» یا دعا کند، مورد اجابت قرار می گیرد، و اگر وضو بگیرد و نماز بخواند نمازش قبول می شود». بخاری آن را روایت کرده است.

اذکار به هنگام بی خوابی:

احادیث این باب ضعیف است، از جمله:

1- از زید بن ثابت - رضی الله عنه - روایت است که گفت: بی خوابی ام را به نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم شکایت کردم، پس فرمودند: «بگو: اللَّهُمَّ غَارَتِ النُّجُومُ، وَهَدَّاتِ الْعُيُونُ، وَأَنْتَ حَيٌّ قَيُّومٌ لَا تَأْخُذُكَ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ، يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ، أَهْدِيْ لَيْلِيْ، وَأَنْمِ عَيْنِيْ» (بارالها ستارگان افول کردند و چشم ها آرام گرفتند و تویی آن زنده برپا دارنده که چرت و خوابی تو را فرو نمی گیرد، ای زنده و ای برپا دارنده، شبم را آرام گردان و چشمانم را بخوابان) پس این را گفتیم و الله عزوجل آنچه از آن رنج می بردم را از من برطرف ساخت. به روایت ابن السنی.

2- همچنین ترمذی با سندی ضعیف از خالد بن الولید - رضی الله عنه - روایت کرده که وی از بی خوابی به نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم شکایت برد، پس پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «چون به بستر رفتی بگو: اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَمَا أَظْلَمَتْ، وَرَبَّ الْأَرْضِينَ وَمَا أَقْلَمَتْ، وَرَبَّ الشَّيَاطِينِ وَمَا أَضَلَّتْ، كُنْ لِي جَارًا مِنْ شَرِّ خَلْقِكَ كُلِّهِمْ جَمِيعًا أَنْ يَفْرُطَ عَلَيَّ أَحَدٌ مِنْهُمْ، أَوْ يَبْغِيَ عَلَيَّ، عَزَّ جَارُكَ، وَجَلَّ تَنَائُوكَ، وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ» (بارالها ای پروردگار هفت آسمان و آنچه بر آن سایه افکنده اند و پروردگار زمین ها و آنچه حمل می کنند و پروردگار شیاطین و آنچه گمراه کرده اند از شر همه آفریدگانت پناه من باش تا آنکه مبادا یکی از آنها به من آسیبی برساند یا سرکشی کند، پناه تو گرامی است و ثنای تو والاست و خدایی جز تو نیست و معبودی [به حق] نیست جز تو).

ذکر هنگام ترسیدن در خواب:

احادیث این باب ضعیف است، از جمله:

روایت احمد و ترمذی از طریق عمرو بن شعیب از پدرش از پدر بزرگش که می گوید:

پیامبر صلی الله علیه وسلم سخنانی را به ما یاد می داد که هنگام وحشت در حال خواب (پریدن از خواب) بگوئیم: «بِسْمِ اللَّهِ، أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ غَضَبِهِ وَعِقَابِهِ، وَشَرِّ عِبَادِهِ، وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ، وَأَنْ يَحْضُرُونِ» (به نام الله، پناه می برم به کلمات کامل الله از خشم او و مجازات او و شر بندگان او و از وسوسه های شیاطین و [پناه می برم به او از اینکه] نزد من حاضر شوند).

و نزد ابن السنی آمده که مردی به نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم شکایت برد که در خوابش دچار وحشت می شود، پس به ایشان فرمودند: «هرگاه به رختخواب رفتی بگو...» و مانند روایت پیشین را آورده است.

ذکر هنگامی که که رویایی ببینید که آن را دوست دارد یا دوست ندارد:

از ابوسلمه - رضی الله عنه - روایت است که گفت: من رویاهایی می دیدم که مرا بیمار می ساخت پس ابوقتاده را دیدم و [این را به او گفتم] گفت: من نیز رویاهایی می دیدم که مرا بیمار می کرد، تا آنکه از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمود: «رویای صالح - و نزد بخاری: با لفظ رویای نیک - از سوی الله است، پس هر گاه کسی از شما رویایی دید که دوست دارد آن را به کسی نگوید جز آنان که دوست دارد، و اگر آنچه دید که دوست ندارد سه بار به سمت چپش آب دهان بیندازد و از شیطان و شر او به الله پناه ببرد و آن را به کسی بازگو نکند که زیانی به او نخواهد رساند». متفق علیه.

و نزد مسلم آمده است که: «اگر رویای نیک دید بشارت دهد و جز به کسی که دوستش دارد نگوید».

و همچنین نزد مسلم آمده که: «[اگر خواب بد دید] هنگامی که از خواب بیدار شد سه بار به سمت چپش آب دهان بیندازد».

و نزد او از قتاده - رضی الله عنه - روایت است که گفت: همان که این حدیث را شنیدیم دیگر به آن (یعنی به خواب های بد) توجهی نمی کنم.

و نزد بخاری از حدیث ابوسعید - رضی الله عنه - آمده است: «هر گاه کسی از شما رویایی دید که آن را دوست دارد آن از سوی الله است پس الله را حمد گوید و آن را بازگو کند».

و نزد مسلم از حدیث ابوهریره - رضی الله عنه - آمده است: «رویا بر سه نوع است: رویای نیک که بشارتی است از سوی الله، و رویایی از سوی شیطان برای غمگین ساختن، و رویایی بر اساس آنچه افکاری که شخص در خود دارد، پس اگر کسی از شما چیزی را دید که دوست ندارد نماز بگزارد و از آن با مردم نگوید».

و نزد وی از حدیث جابر - رضی الله عنه - آمده است: «آنکه رویایی دیده که برایش ناخوشایند است سه بار به سمت چپش آب دهن اندازد و سه بار از شیطان به الله پناه ببرد (اعوذ بالله بگوید) و به پهلویی دیگر بخوابد».

نوع چهارم: ذکر خارج شدن از خانه و وارد شدن به آن:

هنگام بیرون رفتن از خانه:

1- از عثمان بن عفان - رضی الله عنهما - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«مسلمانی نیست که از خانه اش به قصد سفر یا قصدی دیگر خارج شود و هنگام خروج بگوید: بِاسْمِ اللَّهِ، آمَنْتُ بِاللَّهِ، اِعْتَصَمْتُ بِاللَّهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ (به نام الله، به الله ایمان آوردم، به الله تمسک جستم، به الله توکل کردم، نیرو و توانی نیست مگر با [یاری] الله) مگر آنکه خیر آن بیرون رفتن را به دست می آورد و از شر آن دور می ماند». به روایت احمد.

در سند آن یک راوی مجهول است. و در سنن از انس - رضی الله عنه - به مانند آن به شکل مرفوع (منسوب به پیامبر صلی الله علیه وسلم) روایت شده و در آن آمده است:

«به او گفته می شود: هدایت شدی و کفایت شدی و حفاظت شدی، و شیطان از او دور می شود». ترمذی می گوید: این حدیثی است حسن. آلبانی آن را صحیح می داند.

2- و از ام سلمه - رضی الله عنها - روایت است که گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم از خانه من بیرون نمی رفت مگر آنکه چشمانش را به آسمان می دوخت و می فرمود:

«بارالها به تو پناه می برم از اینکه گمراه کنم یا گمراه شوم، یا بلغزانم یا دچار لغزش شوم، یا ظلم کنم یا مورد ستم قرار گیرم، یا جهالت ورزم یا مورد جهالت قرار گیرم». به روایت ابوداود - و این لفظ اوست - و نسائی و ابن ماجه و ترمذی. وی می گوید: این حدیث صحیح است.

3- و در صحیح مسلم از ابن عباس - رضی الله عنهما - در یکی از روایاتش آمده که هنگامی که شب را نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم گذارند، مؤذن اذان گفت پس به نماز بیرون رفت در حالی که می فرمود:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا، وَفِي لِسَانِي نُورًا، وَاجْعَلْ فِي سَمْعِي نُورًا، وَاجْعَلْ فِي بَصَرِي نُورًا، وَاجْعَلْ مِنْ خَلْفِي نُورًا، وَمِنْ أَمَامِي نُورًا، وَاجْعَلْ مِنْ فَوْقِي نُورًا، وَمِنْ تَحْتِي نُورًا، اللَّهُمَّ أَعْظِي نُورًا» (بارالها در دلم نوری قرار ده، و در زبانت نوری قرار ده، و در گوشم نوری قرار ده، و در بینایی ام نوری قرار ده، و از پشت سرم نوری قرار ده، و در برابرم نوری قرار ده، و از بالای سرم نوری قرار ده، و از زیر پایم نوری قرار ده، بارالها برایم نوری قرار ده).

هنگام وارد شدن به منزل:

1- از ابومالک اشعری - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«هرگاه شخص به خانه اش وارد شد بگوید: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الْمَوْلِجِ وَخَيْرَ الْمَخْرَجِ، بِاسْمِ اللَّهِ وَآجِنًا، وَبِاسْمِ اللَّهِ حَرَجْنَا، وَعَلَى اللَّهِ رَبِّنَا تَوَكَّلْنَا» (بارالها من از تو خیر وارد شدن و خیر خارج شدن را خواهام. به نام الله وارد شدیم و به نام الله بیرون رفتیم و بر الله پروردگارمان توکل کردیم). به روایت ابوداود با سند صحیح.

2- و از ابوهریره - رضی الله عنه - از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند:

«هرگاه مرد وارد خانه اش شود و الله را هنگام وارد شدن و هنگام غذا خوردن یاد کند، شیطان می گوید: امشب اینجا جای خواب و غذا ندارید، و چون وارد شود و ذکر الله را هنگام وارد شدن نگوید، شیطان می گوید: شب را در اینجا ماندید و چون هنگام غذا یاد الله نگوید، می گوید: هم شب را اینجا ماندید و هم شام را». مسلم آن را روایت کرده است.

هنگام وارد شدن به مسجد و خارج شدن از آن:

1- از ابوحمید یا ابواسد - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«هرگاه کسی از شما وارد مسجد شد بگوید: **اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ** (پروردگارا درهای رحمت خود را بر من بگشای) و چون خارج شد بگوید: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ** (بارالها از فضل تو خواهانم)». به روایت مسلم و ابوداؤد و ابن ماجه.

ابوداؤد و ابن ماجه همچنین افزوده اند: «هرگاه کسی از شما وارد مسجد شد بر پیامبر صلی الله علیه وسلم سلام فرستد و سپس بگوید...» و ادامه حدیث پیشین را آورده اند.

ابوعوانه نیز این روایت را آورده و سلام را هنگام خارج شدن نیز افزوده است. آلبانی می گوید: سند آن حسن یا صحیح است.

ابن ماجه از ابوهریره رضی الله عنه آورده که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند... و مانند روایت پیشین را آورده جز آنکه برای هنگام خروج گفته است: «پس بر پیامبر صلی الله علیه وسلم سلام فرستد و بگوید: **اللَّهُمَّ اعْصِمْنِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ** (بارالها مرا از شیطان رجیم در امان بدار)».

و نزد او از فاطمه - رضی الله عنها - اضافه بر آن بسم الله به هنگام وارد شدن و خارج شدن آمده است.

و نزد ترمذی درود بر پیامبر صلی الله علیه وسلم و سلام بر ایشان اضافه بر موارد پیشین روایت شده است.

2- و از عبدالله بن عمرو بن العاص - رضی الله عنهما - روایت است که گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم هر گاه وارد مسجد می شد می فرمود:

«أَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ، وَبِوَجْهِهِ الْكَرِيمِ، وَسُلْطَانِهِ الْقَدِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»
(پناه می برم به الله بزرگ و ذات بخشنده و سخاوتمند و قدرت ازلی و ابدی اش از شر شیطان رانده شده) فرمود: «چون چنین بگوید شیطان می گوید: در ادامه روز از من در امان شد». به روایت ابوداؤد. نووی می گوید: سند آن خوب (جید) است.

ابن سنی از ابوامامه - رضی الله عنه - به شکل مرفوع روایت کرده که هنگام خروج از مسجد بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ إِبْلِيسَ وَجُنُودِهِ» (بارانها از شیطان و لشکریانش به تو پناه می آورم).

فصل پنجم: اذکار عبادات

نوع اول: اذکار وضو:

در آغاز وضو:

می گوید: «بسم الله» به دلیل حدیث ابوهریره - رضی الله عنه - که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود:

«کسی که اسم الله را هنگام وضو نبرد وضو ندارد». به روایت ابوداؤد و دیگران با سند ضعیف. امام احمد رحمه الله می گوید: در این باب چیزی ثابت نیست.

و در پایانش:

از عمر بن الخطاب - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«کسی که وضو سازد و بگوید: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، هر هشت در بهشت برایش گشوده می شود که از هر کدام بخواهد وارد شود.» به روایت مسلم و ترمذی. ترمذی افزوده است: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ، وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ» (خداوندا مرا از جمله توبه کنندگان و از جمله پاکیزگان قرار ده).

نوع دوم: انکار نماز:

اذان و اقامه:

از ابو محذور - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم این اذان را به ایشان یاد دادند: اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ (دو بار) أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ (دو بار) سپس شهادتین را دوبار تکرار می کند، سپس حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ (هر کدام دو بار)، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. مسلم آن را روایت کرده است.

و نسائی این روایت را از این وجه آورده و تکبیر نخست را چهار بار گفته است.

و در حیث عبدالله بن زید بن عبدربه - رضی الله عنه - آمده که مردی در رویا اذان را به او یاد داد که تکبیر در آغازش چهار بار بود و بقیه آن دوبار دوبار بود و در پایان آن «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بود و اقامه را چنین ذکر کرد که در آغاز دو الله اکبر دارد و در پایانش «قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ» گفت و بقیه اش به صورت مفرد بود. پس پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «این بی شک رویای حق است» به روایت احمد و این حدیثی صحیح است.

و از عبدالله بن عمرو بن العاص - رضی الله عنهما - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هرگاه صدای مؤذن را شنیدید مانند آنچه می گوید را بگویید، سپس بر من درود بفرستید، زیرا هر که بر من یک درود بفرستد الله بر او ده درود خواهد فرستاد، سپس از الله برای من «وسیله» را بخواهید؛ زیرا آن منزلتی است در بهشت که تنها شایسته یکی از بندگان الله است و امیدوارم من آن [بنده] باشم، پس هر که برای من وسیله بخواهد شفاعت بهره او می شود.» به روایت مسلم و اصحاب سنن به جز ابن ماجه.

و از عمر بن الخطاب - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هرگاه مؤذن الله اکبر الله اکبر گفت، و یکی از شما [نیز در پاسخش] از دلش الله اکبر الله اکبر گفت - سپس بقیه اذان را همانند آن ذکر کرد به جز دو حی علی که در پاسخش لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ می گوید - به بهشت داخل شود.» مسلم آن را روایت کرده است.

و از جابر - رضی الله عنه - از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «کسی که هنگام شنیدن اذان بگوید: «اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ الدَّعْوَةُ التَّامَّةُ، وَالصَّلَاةُ الْقَائِمَةُ، آتِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ، وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا الَّذِي وَعَدْتَهُ» (پروردگارا، ای صاحب این دعوت کامل (اذان) و نمازی که هم اکنون برگزار می شود، به محمد صلی الله علیه وسلم وسیله (درجه ای است در بهشت) و فضیلت عنایت فرما و او را طبق وعده ات به مقام محمود (شفاعت) برسان) شفاعت من در روز قیامت برای او حاصل می شود.» بخاری آن را روایت کرده است.

و نسائی از همین وجه این حدیث را با لفظ «المقام المحمود» روایت کرده است.

و بیهقی این را نیز افزوده است: «إِنَّكَ لَا تُخْلَفُ الْمِعَادَ».

و از سعد بن ابی وقاص - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هر که هنگام شنیدن صدای مؤذن بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا، وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا، وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا» گناهِش برای او آمرزیده می شود.» مسلم آن را روایت کرده است.

و در روایتی نزد مسلم آمده که: «و من گواهی می دهم».

دعا استفتاح (آغاز نماز):

1- از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم بین تکبیر [احرام] و قرائت [سوره حمد] می فرمود:

«اللَّهُمَّ بَاعِدْ بَيْنِي وَبَيْنَ خَطَايَايَ كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ، اللَّهُمَّ نَقِّنِي مِنَ خَطَايَايَ كَمَا يُنَقَّى الثَّوْبَ الْأَبْيَضُ مِنَ الدَّنَسِ، اللَّهُمَّ اغْسِلْنِي مِنَ خَطَايَايَ بِالتَّلَجِ وَالْمَاءِ وَالْبُرْدِ» (خداوندا میان من و گناهانم فاصله انداز چنانکه میان مشرق و مغرب فاصله انداخته ای، خداوندا مرا از گناهانم بشوی چنانکه لباس سفید از چرک پاک می شود، خداوندا مرا با برف و تگرگ از گناهانم پاک کن). بخاری و مسلم در روایت آن اتفاق دارند.

2- و از علی بن ابی طالب - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم هر گاه می خواست نمازش را استفتاح کند تکبیر می گفت، سپس می فرمود:

«وَجَّهْتُ وَجْهِي لِلذِّی فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا، وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ، إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، لَا شَرِيكَ لَهُ، وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ - و در روایتی دیگر: وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ - اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَنْتَ رَبِّي، وَأَنَا عَبْدُكَ، ظَلَمْتُ نَفْسِي، وَاعْتَرَفْتُ بِذُنُوبِي، فَاعْفُرْ لِي ذُنُوبِي جَمِيعًا، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ، وَاهْدِنِي لِأَحْسَنِ الْأَخْلَاقِ، لَا يَهْدِي

لأَحْسَنَهَا إِلَّا أَنْتَ، وَاصْرِفْ عَنِّي سَيِّئَهَا، لَا يَصْرِفُ عَنِّي سَيِّئَهَا إِلَّا أَنْتَ، لَبَّيْكَ
 وَسَعْدَيْكَ، وَالْخَيْرُ كُلُّهُ فِي يَدَيْكَ، وَالشَّرُّ لَيْسَ إِلَيْكَ، أَنَا بِكَ وَإِلَيْكَ، تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ،
 أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ» (من چهره ام را به سوی ذاتی متوجه کرده ام که آسمان
 ها و زمین را آفرید؛ درحالی که من از باطل روی گردان شده و به سوی حق
 آمده ام و از مشرکان نیستم. نماز، عبادت، زندگی و مرگم از آن پروردگار
 جهاتیان است که شریکی ندارد. دستور یافته ام که چنین کنم و من نخستین
 فرمانبرداران هستم - و در روایتی دیگر: من از فرمانبرداران می باشم -
 پروردگارا، تویی پادشاه، به جز تو معبودی [به حق] وجود ندارد. تو پروردگار
 من هستی و من بنده تو هستم. بر خود ظلم کردم و به گناهم اعتراف نمودم؛
 همه گناهانم را ببخشای، همانا به جز تو کسی گناهانم را نمی آمرزد. الهی،
 مرا به نیکوترین اخلاق و خصلت ها رهنمون فرما، همانا جز تو کسی نیست
 که مرا به سوی آنها هدایت کند. الهی، خصلت های بد را از من دور گردان؛
 زیرا جز تو کسی نیست که آنها را از من دور گرداند. من در بارگاهت حاضر
 و برای اطاعت از تو آماده ام. هرگونه خیر و نیکی در اختیار توست؛ بدی را
 به سوی تو راهی نیست. الهی، من به لطف تو موجودم و به سوی تو متوجه
 ام؛ تو بسیار با برکت و برتر هستی؛ از تو آمرزش می خواهم و در بارگاه تو
 توبه می کنم). به روایت مسلم و ابوداود و نسائی.

و در روایتی نزد ابوداود آمده است: «هرگاه برای نماز فرض برمی
 خاستند».

3- و از عائشه - رضی الله عنها - روایت کرده که: پیامبر صلی الله علیه و
 سلم هرگاه نماز را آغاز می کردند، می گفتند:

«سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، وَتَبَارَكَ اسْمُكَ وَتَعَالَى جَدُّكَ، وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ» (تنزیه
 و ستایش تو را می گویم. نامت خجسته است و کبریا و عظمت تو والاست و
 معبودی به حق جز تو نیست). به روایت ابوداود. در سند آن ضعف است.

اما نزد مسلم از عبده از عمر بن الخطاب - رضی الله عنه - آمده که ایشان این کلمات را با صدای بلند می گفتند: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ... تا پایان دعا» و عبده - رحمه الله - از عمر - رضی الله عنه نشنیده، بنابراین این روایت منقطع است.

4- و عائشه - رضی الله عنها - روایت کرده که: پیامبر صلی الله علیه و سلم هنگامی که برای نماز شب برمی خاستند نماز خود را با این دعا شروع می کردند:

«اللَّهُمَّ رَبَّ جِبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ، فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ، اهْدِنِي لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ، إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (پروردگارا، ای رب جبرائیل و میکائیل و اسرافیل، ای آفریدگار آسمان ها و زمین، ای آگاه بر پیدا و پنهان، تو میان بندگانت در مسایل مورد اختلافشان قضاوت می کنی. به اجازه و فرمان خود در مسایل مورد اختلاف مرا به حق هدایت بفرما، تو هرکس را بخواهی به راه راست هدایت می کنی). مسلم آن را روایت کرده است.

5- و از ابن عباس - رضی الله عنهما - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم هرگاه در دل شب برای نماز برمی خاست می فرمود:

«اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ، أَنْتَ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَلَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ قَيَّامُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ - و در روایتی: قَيِّمٌ - وَلَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ، أَنْتَ الْحَقُّ، وَوَعْدُكَ الْحَقُّ، وَقَوْلُكَ الْحَقُّ، وَلِقَاؤُكَ حَقٌّ، وَالْجَنَّةُ حَقٌّ، وَالنَّارُ حَقٌّ، وَالسَّاعَةُ حَقٌّ، اللَّهُمَّ لَكَ أَسْلَمْتُ، وَبِكَ أَمَنْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَإِلَيْكَ أُنَبَّتُ، وَبِكَ خَاصَمْتُ، وَإِلَيْكَ حَاكَمْتُ، فَاعْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَأَخَّرْتُ، وَأَسْرَرْتُ وَأَعْلَنْتُ، أَنْتَ إِلَهِي، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ» (بارالها، ستایش از آن توست، تو نور آسمان ها و زمینی، و ستایش از آن توست، تو برپا دارنده آسمان ها و زمینی، و ستایش از آن توست، تو پروردگار آسمان ها و زمینی و هر آنکه در آنهاست، تو حقی و وعده ات حق است و سخنت حق است و دیدارت حق است و بهشت حق است

و دوزخ حق است و قیامت حق است. الها تسلیم تو شدم و به تو ایمان آوردم و بر تو توکل کردم و به سوی تو انابت نمودم و با [ادله و براهینی که] تو [عطا کردی با کافران و معاندان] جدل نمودم و به سوی تو داوری آوردم، پس آنچه از [گناهان] که از پیش انجام دادم و آنچه در آینده مرتکب می شوم و آنچه پنهان نمودم و آنچه آشکار ساختم را بیامرز، تو معبود منی، معبودی [به حق] جز تو نیست). به روایت مسلم و ابوداؤد.

و در روایتی نزد ابوداؤد آمده که: در تهجد پس از گفتن «اللَّهُ أَكْبَرُ» چنین می گفت، سپس همین روایت را آورده است.

نزد بخاری در برخی از روایاتش «و من فیهن» در جمله اول و دوم پس از آسمان ها و زمین نیز آمده است، همچنین پس از «وَالنَّارُ حَقٌّ» آمده که: «وَالنَّبِيُّونَ حَقٌّ، وَمُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَقٌّ».

ذکر رکوع:

1- و از عُقْبَةُ بن عامر - رضی الله عنه - روایت است که گفت: وقتی که

﴿فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ﴾ [سوره واقعه: 74]

{ به نام پروردگار بزرگ خود تسبیح گوی. } [واقعه: ۷۴]

بر رسول الله صلی الله علیه وسلم نازل شد فرمود: «این را در رکوع خود قرار دهید و چون {سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى} [سوره اعلی: ۱] نازل شد فرمود: «این را در سجده خود قرار دهید». به روایت احمد و ابوداؤد و ابن ماجه.

2- و از عائشه - رضی الله عنها - روایت است که گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم بسیار در رکوع و سجودشان می گفتند:

«سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي» و اینگونه به دستور الله متعال در قرآن کریم عمل می نمود. متفق علیه.

3- و از ابن عباس - رضی الله عنهما - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «اما در رکوع، پروردگار را به عظمت یاد کنید». به روایت احمد و مسلم .

4- و از عایشه - رضی الله عنها - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم در رکوع و سجده خود می گفتند: «سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ، رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ» (بسیار پاک از عیوب و منزّه است، پروردگار ملائکه و جبرئیل است). به روایت احمد و مسلم.

5- و از علی - رضی الله عنه - روایت کرده که: پیامبر صلی الله علیه وسلم هنگام رکوع می فرمودند: «اللَّهُمَّ لَكَ رَكَعْتُ، وَبِكَ آمَنْتُ، وَلَكَ أَسَلْتُ، خَشَعَ لَكَ سَمْعِي، وَبَصَرِي، وَمَخِي، وَعَظْمِي، وَعَصْبِي» (الها برای تو رکوع کردم و به تو ایمان آوردم و تسلیم تو شدم. شنوایی ام و بینایی ام و مغزم [یا مغز استخوانم] و استخوانم و عصبم (رباط هایم) در برابر تو خاشع شد). مسلم آن را روایت کرده است.

6- و از عوف بن مالک - رضی الله عنه - روایت است که گفت: شبی همراه با پیامبر صلی الله علیه وسلم [به نماز] ایستادم پس به اندازه قیامش به رکوع رفت و در رکوعش می فرمود: «سُبْحَانَ ذِي الْجَبْرُوتِ، وَالْمَلَكُوتِ، وَالْكِبْرِيَاءِ، وَالْعَظَمَةِ» سپس در سجده اش همانند آن را فرمود. به روایت ابوداود و نسائی.

ذکر پس از رکوع:

1- از عبدالله بن ابی اوفی - رضی الله عنه - روایت است که گفت: هرگاه رسول الله صلی الله علیه وسلم از رکوع برمی خاست می فرمود:

«سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ مِنْ السَّمَاوَاتِ، وَمِنْ الْأَرْضِ، وَمِنْ مَاءٍ مَا شِئْتَ مِنْ شَيْءٍ بَعْدُ» (الله صدای آنکه او را ستایش کرد شنید، الها و پروردگار ما ستایش تو راست به پُری آسمان ها و به پُری زمین و به پُری هر آنچه بخواهی). مسلم آن را روایت کرده است.

2- و نزد مسلم از ابوسعید خُدَری - رضی الله عنه - به همانند آن آمده و در آن این اضافه آمده که:

«أَهْلَ الثَّنَاءِ وَالْمَجْدِ، أَحَقُّ مَا قَالَ الْعَبْدُ، وَكُنَّا لَكَ عَبْدًا، اللَّهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلَا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ، وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ» (او اهل و شایسته ثنا و عظمت است، حق ترین سخنی که بنده گفته و ما همه بنده تو هستیم [این است که] بارالها آنچه را تو عطا کنی بازدارنده ای ندارد و آنچه را تو مانع شوی عطا کننده ای ندارد و ثروت [و قدرت] صاحب [قدرت و] ثروت در برابر تو سودی ندارد). و نزد وی (مسلم)

از ابن عباس - رضی الله عنهما - همانند حدیث ابوسعید - رضی الله عنه - روایت شده و در آن آمده است: «مِنْ السَّمَاوَاتِ، وَمِنْ الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا» (به پُری آسمان ها و به پُری زمین و آنچه بین آن دو هست).

و نزد وی از علی - رضی الله عنه - تقریباً همانند حدیث عبدالله بن ابی اوفی - رضی الله عنهما - آمده و در آن آمده است: «مِنْ السَّمَاوَاتِ، وَمِنْ الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا» (به پُری آسمان ها و به پُری زمین و به پُری آنچه بین آن دو هست).

3- و از رفاعه بن رافع - رضی الله عنه - روایت است که گفت: روزی پشت سر پیامبر صلی الله علیه وسلم به نماز ایستاده بودیم پس چون که سرش را از رکوع بلند کرد فرمود:

«سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ»، پس مردی از پشت سر ایشان گفت: «رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ» (پروردگارا، ستایش تو را شایسته است، ستایشی بسیار و پاک و مبارک). پس پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «سی و چند ملانکه را دیدم که از هم پیشی می گیرند که کدام یک آن را بنویسند». بخاری آن را روایت کرده است.

و نزد وی از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده که پیامبر صلی الله علیه وسلم وقتی «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ» می گفت، [پس از آن] می فرمود: «اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ» (بارالها ای پروردگار ما، حمد از آن توست).

و نزد وی از ابوهریره در روایتی آمده است: سپس در حالی که برخاسته می گوید: «رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ» بدون «و» پیش از لك حمد. بنابراین، اینها چهار روش است.

اذکار سجود:

1- قبلا حدیث عقبه بن عامر و دو حدیث از عایشه و یک حدیث از عوف بن مالک - رضی الله عنهم - گذشت.

2- و از ابن عباس - رضی الله عنهما - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «اما در سجده برای دعا تلاش کنید که شایسته است اجابت شوید». به روایت احمد و مسلم.

و نزد وی از ابوهریره - رضی الله عنه - از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «نزدیکترین لحظه نزدیکی بندگان به پروردگارشان در حالت سجده است، پس در سجده بسیار دعا کنید».

3- و نزد وی از علی - رضی الله عنه - روایت شده که: چون به سجده می رفت می گفت:

«اللَّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ، وَبِكَ آمَنْتُ، وَلَكَ أَسَلْتُ، سَجَدَ وَجْهِي لِلَّذِي خَلَقَهُ وَصَوَّرَهُ، وَشَقَّ سَمْعَهُ وَبَصَرَهُ، تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ» (بارالها به تو سجده کردم و به تو ایمان آوردم و تسلیم تو شدم. چهره ام برای کسی سجده برد که آن را آفریده و صورتگری کرد و گوش و چشمانش را قرار داد. خجسته است الله، نیکوترین آفریدگاران).

4- و نزد وی از ابوهریره - رضی الله عنه - از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که ایشان در سجده خود می فرمودند:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي كُلَّهُ؛ دِقَّةً وَجَلَّةً، وَأَوَّلَهُ وَآخِرَهُ، وَعَلَانِيَتَهُ وَسِرَّهُ» (یا الله، تمام گناهانم را ببخش و بیامرز: گناهان کوچک و بزرگ، اولین و آخرین و نهان و آشکار آن).

نمازگزار می تواند پس از دعایی که در سنت وارد شده [در سجده اش] هر دعایی را که دوست دارد بخواند، زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم امر به تلاش در دعا و بسیار دعا کردن در سجده نموده بدون آنکه آن را مقید [به دعا و عدد خاصی] کرده باشد.

دعای نشستن بین دو سجده:

1- از حذیفه - رضی الله عنه - روایت کرده که: پیامبر صلی الله علیه وسلم بین دو سجده می فرمودند: «رَبِّ اغْفِرْ لِي، رَبِّ اغْفِرْ لِي». به روایت نسائی و ابن ماجه .

2- و از ابن عباس - رضی الله عنهما - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم بین دو سجده می فرمودند: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي، وَارْحَمْنِي، وَاجْبُرْنِي، وَاهْدِنِي، وَارْزُقْنِي» (الها مرا بیامرز، و رحمت کن، و شکستگی ام را شفا ده، و هدایت کن، و روزی ام ده). به روایت ترمذی.

ابوداود این روایت را با لفظ «وَعَافِي» (و مرا عافیت ده) به جای «وَأَجْبُرَنِي» آورده است.

انکار تشهد:

از عبدالله بن مسعود - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: هرگاه کسی از شما نماز گزارد بگوید:

«التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ» (همه بزرگداشت ها و درودها و پاکی ها از آن الله است، سلام بر تو ای پیامبر و رحمت الله و برکاتش. سلام بر ما و بر بندگان نیکوکار الله. گواهی می دهم که معبودی به حق نیست جز الله و اینکه محمد بنده و فرستاده الله است). بخاری آن را روایت کرده است.

و در روایتی: «سپس هر دعایی را که دوست دارد برمی گزیند و با آن دعا می کند».

و در روایتی دیگر: «هرگاه کسی از شما در نمازش [برای تشهد] نشست، بگوید:...» و این روایت را ذکر کرده و سپس فرمود: «سپس هر سخنی را که می خواهد برمی گزیند».

و در روایتی دیگر: «از هر ثنا [و ستایشی] که خواست».

و مسلم به مانند آن را روایت کرده است.

2- و از ابن عباس - رضی الله عنهما - روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم تشهد را به ما یاد می داد چنانکه سوره ای از قرآن را به ما یاد داد، پس می فرمود:

«التَّحِيَّاتُ الْمُبَارَكَاتُ الصَّلَوَاتُ الطَّيِّبَاتُ لِلَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» (همه بزرگداشت ها و درودها و پاکی ها از آن الله است، سلام بر تو ای پیامبر و رحمت الله و برکاتش. سلام بر ما و بر بندگان نیکوکار الله. گواهی می دهم که معبودی به حق نیست جز الله و اینکه محمد فرستاده الله است). مسلم آن را روایت کرده است.

3- و از ابوموسی اشعری - رضی الله عنه - در حدیثی طولانی از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند:

«و چون در نشستن [نماز] بودن نخستین سخنی که هر یک از شما می گوید این باشد: التَّحِيَّاتُ الطَّيِّبَاتُ الصَّلَوَاتُ لِلَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ». مسلم آن را روایت کرده است.

4- و از کعب بن عُجره - رضی الله عنه - روایت است که گفت: از رسول الله صلی الله علیه وسلم پرسیدیم که ای رسول الله، درود بر شما اهل بیت چگونه است زیرا الله به ما یاد داده که چگونه سلام بگوییم؟ فرمود:

«بگوئید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ، وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ، وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ» (یا الله بر محمد و بر آل محمد درود فرست چنانکه بر ابراهیم و بر آل ابراهیم درود ارزانی داشتی، تو ستوده شده و باشکوهی. یا الله بر محمد و بر آل محمد برکت ارزانی دار چنانکه بر ابراهیم و بر آل ابراهیم برکت ارزانی داشتی، همانا تو ستوده شده و باشکوهی). بخاری آن را روایت کرده است.

5- و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«هرگاه یکی از شما تشهد آخر را به پایان رساند از چهار چیز [به الله] پناه ببرد: از عذاب جهنم، و از عذاب قبر، و از فتنه مرگ و زندگی، و از شر فتنه مسیح دجال.» مسلم آن را روایت کرده است.

و نزد نسائی نزدیک به آن آمده و افزوده است: «سپس برای خودش هر دعایی که به نظرش آمد را می گوید.»

و نزد مسلم از ابن عباس - رضی الله عنهما - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم این دعا را همانند سوره ای از قرآن به آنان یاد می داد و فرمود: «بگویید...» و همان استعاذه های ذکر شده را بیان کرد.

6- و از عایشه - رضی الله عنها - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم در نمازش دعا می کرد و استعاذه از آنچه گذشت را بیان نمود، و افزود:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْمَأْتَمِّ وَالْمَعْرَمِ» (بارها از گناه و بدهکاری به تو پناه می آورم). متفق علیه.

7- و از ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - روایت است که ایشان خطاب به پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: به من دعایی بیاموز که در نمازم بگویم؛ فرمود:

«بگو: اللَّهُمَّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي ظُلْمًا كَثِيرًا، وَلَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ، فَاعْفِرْ لِي مَغْفِرَةً مِنْ عِنْدِكَ وَارْحَمْنِي إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (یا الله، من بسیار در حق خود ستم روا داشته ام، و جز تو کسی گناهان را نمی آمرزد، پس مرا مغفرتی از جانب خود عطا کن و مورد رحمت قرار بده، همانا تو بسیار آمرزنده و مهربانی). به روایت بخاری و مسلم.

8- و از مُعَاذِ بْنِ جَبَل - رَضِيَ اللهُ عَنْهُ - روایت است که گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم مرا دید و فرمودند:

«تو را به کلماتی توصیه می کنم که در هر نماز بگویی: اللَّهُمَّ أَعْنِي عَلَى ذِكْرِكَ وَشُكْرِكَ وَحُسْنِ عِبَادَتِكَ» (بارالها، مرا بر ذکر خودت و شکر خودت و عبادت نیکویت یاری ده). به روایت احمد و نسائی و ابوداؤد.

ذکر پس از سلام (پس از پایان نماز):

1- از ثوبان - رَضِيَ اللهُ عَنْهُ - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم هرگاه از نمازش فارغ می شد سه بار استغفار می کرد، و می فرمود:

«اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ، وَمِنْكَ السَّلَامُ، تَبَارَكْتَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» (بارالها تویی آن سلام و سلام از توست، خجسته ای، ای دارای جلال و اِکرام). از اوزاعی پرسیده شد که استغفار چگونه است؟ گفت: اینکه بگویی: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ. مسلم آن را روایت کرده است.

و نزد وی - یعنی مسلم - از عایشه - رَضِيَ اللهُ عَنْهَا - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم هرگاه سلام [نماز] را می گفت نمی نشست مگر به مقداری که بگوید... سپس ذکر پیشین را بیان کرد.

2- و از مُغْبِرَةَ بْنِ شُعْبَةَ - رَضِيَ اللهُ عَنْهُ - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم در پی هر نماز فرض می فرمود:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلَا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ، وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ». منفق علیه، و این لفظ بخاری است.

3- و از عبدالله بن زبیر - رضی الله عنهما - روایت است که وی در پی هر نمازی پس از سلام می گفت:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَلَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، لَهُ النِّعْمَةُ وَلَهُ الْفَضْلُ، وَلَهُ الثَّنَاءُ الْحَسَنُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ».

(هیچ معبود به حقی غیر از الله یگانه و بدون شریک نیست، و اوست صاحب مُلک و ستایش، و او بر هر چیزی تواناست، قدرت و توانایی نیست مگر با کمک الله متعال و هیچ معبود به حقی نیست غیر از الله، و تنها او را عبادت می کنیم، و نعمت و فضل از آن اوست، و ستایش نیکو از آن اوست، هیچ معبود به حقی نیست جز الله و در دین اخلاص داریم هر چند که کافران ناخوشنود باشند).

و گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم این تهلیل را پس از هر نمازی می گفتند. (اذکاری که شامل لا اله الا الله باشد را تهلیل گویند) مسلم آن را روایت کرده است.

4- و در صحیحین از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم خطاب به فقرای مهاجر فرمودند:

«آیا چیزی را به شما یاد ندهم که با آن به کسانی که از شما جلو زده اند برسید و از آنان که پس از شما آمده اند پیشی بگیرید و کسی بهتر از شما نباشد مگر کسی که مانند شما انجام داده باشد؟» گفتند: آری یا رسول الله. فرمود: «در پی هر نمازی سی و سه بار تسبیح و تکبیر و حمد بگویید»، این لفظ بخاری است.

5- و نزد مسلم از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«هر که در پی هر نماز سی و سه بار تسبیح، و سی و سه بار حمد، و سی و سه بار تکبیر گوید، این نود و نه است» و فرمود: «در تکمیل صد، «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» بگوید، گناهانش آمرزیده می شود اگر چه مانند کف دریا باشد».

6- و نزد وی از کعب بن عُجره - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«پس از هر نمازِ واجبی اذکاری است که گوینده - یا انجام دهنده - آن ناکام و محروم نمی شود: سی و سه بار سبحان الله، سی و سه بار الحمد لله و سی و چهار بار الله اکبر».

7- و از سعد بن ابی وقاص - رضی الله عنه - روایت است که گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم با این کلمات پس از هر نمازی [به الله] پناه می برد:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبُخْلِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُبْنِ، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ أُرَدَّ إِلَى أَرْدَلِ الْعُمْرِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الدُّنْيَا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ» (ای الله من از بخل به تو پناه می آورم، و از بزدلی به تو پناه می آورم، و از اینکه در پیری به ضعف و سستی بازگردم به تو پناه می آورم و از فتنه دنیا به تو پناه می آورم و از عذاب قبر به تو پناه می آورم). بخاری آن را روایت کرده است.

8- و از مُعَاذِ بْنِ جَبَل - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم خطاب به وی فرمودند:

«ای مُعَاذُ، به الله سوگند که تو را دوست دارم، ای مُعَاذُ توصیه ات می کنم که گفتن این ها را در پی هر نماز ترک نکنی: اللَّهُمَّ أَعْنِي عَلَى ذِكْرِكَ وَشُكْرِكَ وَحُسْنِ عِبَادَتِكَ» (یا الله، یاری ام کن تا تو را ذکر کنم، سپاس بگزارم و عبادت

تو را به صورتی نیکو به جای آورم). به روایت ابوداود و نسائی. نووی می گوید: سند آن صحیح است

9- و از عُبَیة بن عامر - رضی الله عنه - روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم مرا امر کرد تا معوذات را در پی هر نماز بخوانم. به روایت احمد و ابوداود و ترمذی و نسائی. ابن حِبَّان آن را صحیح می داند.

10- و از مسلم بن حارث تمیمی - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم با وی به تنهایی سخن گفت و فرمود:

«هرگاه از نماز مغرب فارغ شدی هفت بار بگو: اللَّهُمَّ اجْرِنِي مِنَ النَّارِ (یا الله مرا از آتش در پناه خود بدار) که اگر چنین گفتی و همان شب از دنیا رفتی برای تو پناهی از آن نوشته خواهد شد و چون نماز صبح را خواندی مانند آن بگو که اگر در آن روز از دنیا رفتی برایت پناهی از آن نوشته خواهد شد.» به روایت ابوداود.

و نسایی همانند آن را روایت کرده و افزوده است: «پیش از آنکه سخنی بگویی بگو...».

11- و از مُعَاذ بن جبل - رضی الله عنه - روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«کسی که پس از نماز صبح پیش از آنکه سخنی بگوید، ده بار بگوید: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَلَهُ الْحَمْدُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ عَشْرَ مَرَّاتٍ، به سبب آن هفت چیز به او داده خواهد شد: برایش ده نیکی نوشته خواهد شد، و ده بدی از او پاک خواهد شد، و ده درجه بر درجات او افزوده می شود و برایش همسان [آزاد کردن] ده تن خواهد بود و برای او محافظتی در برابر شیطان و پناهی در برابر بدی خواهند بود و در آن روز هیچ

گناهی [اگر مرتکب گناه شود] او را نابود نخواهد ساخت مگر شرک به الله، و کسی که هنگام پایان نماز مغرب چنین بگوید در آن شب همانند آن به او داده خواهد شد». به روایت ابن ابی الدنيا و طبرانی با سند حسن و این حدیث شواهد بسیار دارد.

نوع سوم: اذکار زکات:

هنگام دادن زکات:

شخصی که زکات می دهد در هنگام دادن زکاتش می گوید: «اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي؛ إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (ای الله از من بپذیر، همانا تو شنوای دانایی).

و گفته شده که می گوید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا مَغْنَمًا، وَلَا تَجْعَلْهَا مَغْرَمًا» (ای الله آن را باعث غنیمت بگردان نه باعث زیان)، و این حدیث ضعیف است.

هنگام گرفتن زکات:

کسی که زکات را می گیرد به زکات دهنده می گوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّكَ» (الله بر تو درود بفرستد [تو را پیامرزد]) یا هر دعایی که مناسب باشد زیرا الله تعالی خطاب به پیامبرش می فرماید:

﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ...﴾ [التوبة: 103]

{از اموال آنان صدقه [و زکات] بگیر، تا به به وسیله آن، آنان را [از گناه] پاک گردانی و درجاتشان را بالا ببری؛ و برایشان دعا [ی مغفرت] کن [توبه: ۱۰۳].}

نوع چهارم: اذکار روزه:

ذکر هنگام افطار:

«اللَّهُمَّ لَكَ صُمْتُ، وَعَلَى رِزْقِكَ أَفْطَرْتُ، فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»
ای الله برای تو روزه شدم و با روزی تو افطار کردم پس از من بپذیر که تو
آن شنوای دانایی).

و در این باره آثار دیگری نیز آمده که سندهای همه آنها خالی از ایراد نیست
اما اگر انسان آن را بگوید ایرادی ندارد.

و اگر آن روز، روزی گرم بود و پس از افطار آب نوشید بگوید: «ذَهَبَ
الْظَّمَأُ، وَابْتَلَّتِ الْعُرُوقُ، وَتَبَّتْ الْأَجْرُ إِِنْ شَاءَ اللَّهُ» (تشنگی رفت و رگها تر شد و
پاداش آن ان شاء الله ثابت گردید).

اگر در حال روزه کسی به او ناسزا گفت یا با او درگیر شد:

سنت است که در این حال بگوید: «من روزه ام». به دلیل این سخن پیامبر
صلی الله علیه وسلم که فرمودند: «پس اگر کسی به او دشنام داد یا با او درگیر
شد، بگوید: من روزه ام».

و صحیح آن است که این را در حال روزه نافله یا روزه فریضه، علنی بگوید
و این سه فایده دارد:

- فایده نخست: بیان اینکه شخصی که ناسزا شنیده، مقابله به مثل را ترک
نگفته مگر برای آنکه روزه است نه برای ناتوانی از مقابله به مثل؛ زیرا اگر از
روی ناتوانی ترکش گفته باشد شاید طرف مقابل او را کوچک ببیند و این مایه
ذلت او شود، اما اگر بگوید: «من روزه ام» مانند آن است که گفته باشد: از
رویاری با تو عاجز نیستم ولی روزه هستم.

- فایدهٔ دوم: یادآوری طرف مقابل که روزه دار به کسی دشنام نمی گوید و چه بسا خود آن دشنام دهنده هم روزه باشد و این سخن [به شکل غیر مستقیم] حاوی نهدی او از دشنام دادن باشد.

- فایدهٔ سوم: توبیخ شخص دشنام دهنده و درگیر.

دعا در شب قدر:

مستحب است که در این شب همان دعاهایی را بگویند که از پیامبر صلی الله علیه وسلم وارد شده، از جمله:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ عَفُوٌّ تُحِبُّ الْعَفْوَ فَاعْفُ عَنِّي» (یا الله تو بسیار عفو کننده ای و عفو را دوست داری، پس از من درگذر)؛ به دلیل حدیث عایشه - رضی الله عنها - که می فرماید: گفتیم یا رسول الله، اگر شب قدر را درک نمودم چه دعایی کنم؟ فرمود: «بگو: اللَّهُمَّ إِنَّكَ عَفُوٌّ تُحِبُّ الْعَفْوَ فَاعْفُ عَنِّي»، همینطور دیگر دعاهایی که از پیامبر صلی الله علیه وسلم وارد شده است.

و باید این را بدانیم که دعاهای وارده از ایشان بهتر و کاملتر از دعاهای مسجوع و آهنگینی است که مردم از خود می سازند.

نوع پنجم: اذکار حج:

هنگام نیت انجام مناسک:

در عمره می گویند: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ عُمْرَةً» و در حج می گویند: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ حَجًّا» و در حج قرآن می گویند: «لَبَّيْكَ عُمْرَةً وَحَجًّا».

تذکر: رسول الله صلی الله علیه وسلم هرگاه قصد احرام برای حج و عمره می کرد نمی فرمود که: اللهم اني أريد العمرة (یا الله من قصد عمره دارم) یا اللهم اني أريد الحج (یا الله من قصد حج دارم).

هنگام نیابت در حج و عمره:

بهتر آن است که وکیل نام موکل خود را با صراحت به زبان بیاورد و بگوید: «لَبَّيْكَ عَنْ فُلَانٍ» (لبیک به نیابت از فلانی) و اگر موکلش خانم بود بگوید: «لَبَّيْكَ عَنْ أُمِّ فُلَانٍ» یا «لَبَّيْكَ عَنْ بِنْتِ فُلَانٍ» و اگر با دلش نیت کند و اسم را به زبان نیاورد اشکالی ندارد.

شرط گذاشتن در احرام:

اگر کسی که قصد احرام را دارد ترس این را داشته باشد که چیزی مانع از کامل کردن مناسکش شود - این مانع هر چیزی باشد از جمله بیماری یا دیگر موانع - سنت است که هنگام نیت احرام شرط بگذارد و هنگام عقد نیت بگوید:

«إِنْ حَبَسَنِي حَابِسٌ فَمَحِلِّي حَيْثُ حَبَسْتَنِي» (اگر باز دارنده ای مرا باز داشت، محل حلال شدن و خارج شدن من از احرام همان جایی است که مرا باز داشته ای).

زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم بر ضُباعه دختر زبیر - رضی الله عنها - وارد شد و فرمود: «شاید قصد حج کرده ای؟» گفت: به الله سوگند احساس می کنم بیمارم. پس خطاب به ایشان فرمود: «حج کن و شرط بگذار. بگو: اللَّهُمَّ مَحِلِّي حَيْثُ حَبَسْتَنِي».

اما کسی که ترس از مانعی نداشته باشد که او را از کامل کردن مناسکش باز بدارد، برای او شایسته نیست که شرط بگذارد؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم احرام نمودند و شرط نگذاشتند و همه را به شکل عام به شرط گذاشتن امر نکردند.

فایده شرط گذاشتن این است که اگر مانعی پیش آمد می تواند به شکل رایگان یعنی بدون دادن هدی (قربانی) از احرام خارج شود.

تلبیه (روش لبیک گفتن):

«لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ».

و پیش از لبیک تسبیح الله را بگوید و سپس لبیک بگوید، به این شکل: «سُبْحَانَ اللَّهِ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ». امام احمد رحمه الله در مسند خود روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرمود: «لَبَّيْكَ إِلَهَ الْحَقِّ» (لبیک ای معبود به حق). و ابن عمر - رضی الله عنهما - این را می افزود که: «لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ، وَالْخَيْرُ فِي يَدَيْكَ، وَالرَّغْبَاءُ إِلَيْكَ وَالْأَعْمَلُ».

حال اگر شخص این جمله را هم به آن بیفزاید امیدوارم که از روی اقتدا به عبدالله بن عمر - رضی الله عنهما - ایرادی نداشته باشد، اما بهتر همان است که به آنچه از پیامبر صلی الله علیه وسلم ثابت شده التزام داشته باشد.

و اگر مانند دهه ذی الحجه در وقت تکبیر بود، می تواند به جای تلبیه تکبیر بگوید؛ به دلیل سخن انس - رضی الله عنه - که می گوید: همراه با پیامبر صلی الله علیه وسلم حج را به جا آوردیم، پس برخی از ما تکبیر می گفتند و برخی لبیک.

در هنگام عمره از احرام تا ابتدای طواف، لبیک گفتن مشروع است و در حج از احرام تا آغاز رمی جمره عقبه در روز عید.

و شایسته است که بسیار لبیک بگوید به ویژه هنگام تغییر حال و تغییر زمان، مانند آنکه به بلندی بالا برود یا به زمین پست پایین بیاید یا هنگام شب شدن یا روز شدن و پس از آن از الله خشنودی و بهشت او را بخواهد و از آتش دوزخ به رحمت او پناه آورد.

هنگام وارد شدن به مسجد الحرام:

«بِسْمِ اللَّهِ، وَالصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي، وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، أَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ، وَبِوَجْهِهِ الْكَرِيمِ، وَبِسُلْطَانِهِ الْقَدِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ». (به نام الله، و درود و سلام بر رسول الله، یا الله گناهام را ببخش، و درهای رحمت خویش را بر روی من باز کن، به الله متعال، و چهره کریمش، و سلطان قدیمش، پناه می برم از شیطان رجیم).

هنگام شروع طواف:

هنگام آغاز طواف می گوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ إِيْمَانًا بِكَ، وَتَصَدِيقًا بِكِتَابِكَ، وَوَفَاءً بِعَهْدِكَ وَاتِّبَاعًا لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ» (یا الله از روی ایمان به تو و تصدیق کتابت و وفای به عهدت و پیروی از سنت پیامبرت محمد صلی الله علیه وسلم).

اما در دیگر دورها هرگاه در محاذات حجر الاسود قرار گرفت با اقتدا به رسول الله صلی الله علیه وسلم تکبیر می گوید.

و از پیامبر صلی الله علیه وسلم دعای خاصی برای هر دور طواف نقل نشده است.

آنچه میان رکن یمانی و حجر الاسود گفته می شود:

«رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» (پروردگارا در دنیا به ما نیکی عطا کن و در آخرت نیز به ما نیکی عطا کن و از آتش دوزخ دورمان مدار).

و همچنین از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت شده که می فرمود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ» (یا الله از تو عفو و عافیت خواهانم) اما این حدیث ضعیف است.

ذکر هنگام آمدن به مقام ابراهیم علیه الصلاة والسلام:

این آیه را می خواند که:

﴿...وَأَتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ﴿۱۲۵﴾ [البقرة: 125]

(و [مقرر کردیم که] مقام ابراهیم را نمازگاهی برای خویش انتخاب کنید) [البقرة: ۱۲۵].

ذکر هنگام نزدیک شدن به صفا:

می گوید:

﴿إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ ﴿۱۵۸﴾ [البقرة: 158]

(با آنچه الله از آن آغاز نموده آغاز می کنم) [البقرة: 158]. و این آیه را در غیر این موضع نمی خواند.

ذکر بر صفا و مروه:

در حالی که دست خود را مانند بلند کردن دستان در دعا بالا گرفته تکبیر و حمد الله را سه بار به جا می آورد و آنچه را وارد شده می گوید از جمله:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعَدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَهَرَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ»، سپس هر دعایی را که دوست دارد می گوید و سپس ذکر را دوباره تکرار می کند و سپس هر آنچه دوست دارد را دعا می کند سپس ذکر را برای بار سوم تکرار می کند.

ذکر در عرفه:

بیشترین دعای پیامبر صلی الله علیه وسلم در آن موقف بزرگ این بود که می فرمود: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

برای حاجی سنت است که در پایان روز عرفه برای دعا و ذکر و قرائت قرآن خود را فارغ سازد و به گفتن انکار و دعاهای وارده از پیامبر صلی الله علیه وسلم توجه کند زیرا این از جامع ترین و سودمندترین دعاهاست.

و اگر دعاهای وارده از رسول الله صلی الله علیه وسلم را نمی دانست هر دعایی از دعاهای مباح را که می داند بگوید.

در مَشْعَرِ الْحَرَامِ در مُزْدَلِفَه:

توحید الله و حمد و تکبیر او را می گوید (لا اله الا الله و الحمد لله و الله اکبر) و دعا می کند و آیه

﴿... فَإِذَا أَفْضْتُمْ مِّنْ عَرَفَاتٍ...﴾ [البقرة: 198]

(... و چون از عرفات بازگشتید ...) [البقرة: 198] به همراه آیه بعد را می خواند. درباره خواندن این دو آیه چیزی را در سنت سراغ ندارم اما مناسب است، زیرا انسان با خواندن آن امر الله در کتابش را به خود یادآوری می کند.

ذکر به هنگام رمی جمرات:

گفتن «الله اکبر» همراه با پرتاب کردن هر سنگریزه.

صیغه های تکبیر در ایام عید:

- نخست: «اللهُ اکبرُ، اللهُ اکبرُ، لا إلهَ إلا اللهُ، واللهُ أكبرُ، اللهُ أكبرُ، واللهِ الحمدُ».

- دوم: «اللهُ أكبرُ، اللهُ أكبرُ، اللهُ أكبرُ، لا إلهَ إلا اللهُ، واللهُ أكبرُ، اللهُ أكبرُ، اللهُ أكبرُ، واللهِ الحمدُ».

- سوم: «اللهُ أكبرُ، اللهُ أكبرُ، اللهُ أكبرُ، لا إلهَ إلا اللهُ، واللهُ أكبرُ، اللهُ أكبرُ، اللهُ أكبرُ، واللهِ الحمدُ».

آنچه هنگام نحر یا ذبح کردن قربانی گفته می شود:

«بِسْمِ اللهِ وَاللهُ أَكْبَرُ»، «اللهمَّ هذا منك و لك» (یا الله، این از سوی تو و برای توست)، «منك» یعنی: این بخشش و رزقی از سوی توست و «لك» یعنی از روی عبادت و شکر و اخلاص.

و شایسته است که بگوید: «اللهمَّ تقبلْ مِنِّي، اللهمَّ هذا عَنِّي وعن أهل بيتي» (یا الله از من بپذیر، یا الله این از سوی من و خانواده من است).

فصل ششم: اذکار عارضه (برای اموری که در شرایط خاص پیش می آید)

ذکر استخاره:

از جابر بن عبدالله - رضی الله عنهما - روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم استخاره در همه امور را همانند سوره ای از قرآن به ما یاد می داد، پس می فرمود: هنگامی که هریک از شما قصد انجام کاری کرد، دو رکعت نماز به جز نماز فرض بخواند و سپس بگوید:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ بِعِلْمِكَ، وَأَسْتَعِذُّكَ بِقُدْرَتِكَ، وَأَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْعَظِيمِ، فَاتِّكَ تَقْدِيرٌ وَلَا أَقْدِرُ، وَتَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ، وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ، اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ - اینجا حاجت خود را می گوید - خَيْرٌ لِي فِي دِينِي وَمَعَاشِي وَعَاقِبَةِ أُمْرِي - یا فرمود عاجلِ أُمْرِي وَاجِلِهِ - فَأَقْضُهُ لِي وَيَسِّرْهُ لِي ثُمَّ بَارِكْ لِي فِيهِ، وَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ شَرٌّ لِي فِي دِينِي وَمَعَاشِي وَعَاقِبَةِ أُمْرِي - یا فرمود: عاجلِ أُمْرِي وَاجِلِهِ - فَاصْرِفْهُ عَنِّي وَاصْرِفْنِي عَنْهُ وَاقْضُ لِي الْخَيْرَ حَيْثُ كَانَ ثُمَّ أَرْضِنِي بِهِ». (بار الها، از علم تو طلب خیر می کنم و از قدرت تو توانایی می جویم و از تو خواهان فضل و بخشش بی کرانت هستم. به یقین، تو توانایی و من ناتوانم؛ و تو می دانی و من نمی دانم و تو دانای اسرار می. یا الله، اگر این کار را به خیر دین، دنیا و فرجام کارم می دانی، آن را برای من ممکن و آسان بگردان. و اگر آن را برای دین، دنیا و عاقبت کارم زیان بار می دانی، آن را از من دور کن و مرا از انجامش منصرف بگردان و خیر را هر جا که هست، برایم مقدر بفرما و آنگاه مرا بدان خوشنود کن). بخاری آن را روایت کرده است.

استخاره سنت است، پس هرگاه خواست کاری را انجام دهد اما ندانست که انجام آن کار بهتر است یا انجام ندادنش، استخاره می کند، اما آنچه برایش واضح بود که انجام دادن یا انجام ندادنش بهتر است، در این حالت استخاره برایش مشروع نیست،

برای همین پیامبر صلی الله علیه وسلم کارهای بسیاری انجام داده اند اما نقل نشده که [برای همه این کارها] استخاره کرده باشند.

اذکار سفر:

الف- چون پای خود را بر مرکب نهاد بگوید: «بسم الله»، و چون سوار شد و مستقر شد نعمت الله را که این مرکب را برای او فراهم ساخته به یاد بیاورد و سپس بگوید: «الله أكبر، الله أكبر، الله أكبر، سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ، وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ. اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ فِي سَفَرِنَا هَذَا الْبِرَّ وَالتَّقْوَى، وَمِنْ

الْعَمَلِ مَا تَرْضَى، اللَّهُمَّ هَوِّنْ عَلَيْنَا سَفَرَنَا هَذَا، واطْوِ عَنَّا بُعْدَهُ، اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ، وَالْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعَثَاءِ السَّفَرِ، وَكَآبَةِ الْمَنْظَرِ، وَسُوءِ الْمُنْقَلَبِ فِي الْمَالِ وَالْأَهْلِ» (پاک و منزله است کسی که این [وسیله] را در خدمت ما گماشت و [گرنه] ما خود توان این کار را نداشتیم؛ و ما به پیشگاه پروردگاران بازمی گردیم. یا الله، ما در این سفر از تو نیکی و پرهیزگاری و عملی که می پسندی درخواست می کنیم. یا الله، این سفر را بر ما آسان بگردان و دوری راه را برای ما کوتاه بفرما. یا الله، تو همراه و یاورم در سفر و جانشینم در خانواده ام هستی. یا الله، از سختی های سفر و دیدن مناظر غم انگیز و پیش آمدهای ناگوار در مال و خانواده و فرزند به تو پناه می آورم). و چون از سفر بازگردد همین را بگوید و این را بفرماید: «أَيُّوْنَ، تَائِبُوْنَ، عَابِدُوْنَ، لِرَبِّنَا حَامِدُوْنَ» (ما درحالی باز می گردیم که توبه کنندگان، عبادت گزاران و ستایش گران پروردگاران هستیم).

ب- و از عبدالله بن سرجس - رضی الله عنه - روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم هرگاه به سفر می رفتند از سختی های سفر و از پیش آمدها و تغییرات غم انگیز و از کاستی [و خواری] پس از فزونی [و ارجمندی] و نیز از دعای ستم دیده و از دیدن مناظر غم انگیز [و پیش آمدهای ناگوار] در مال و خانواده [به الله] پناه می بُرد. به روایت مسلم.

ج- و شایسته است که هنگام بالا رفتن از مکانهای بلند تکبیر بگوید و هرگاه به مکانی پست پایین می آید تسبیح بگوید؛ به دلیل سخن جابر بن عبدالله - رضی الله عنهما - که می گفت: هرگاه [به بلندی] صعود می کردیم تکبیر می گفتیم و هر گاه [به پستی] پایین می آمدیم تسبیح می گفتیم.

و همینطور در هواپیما، هرگاه که ارتفاع گرفت تکبیر بگوید و هرگاه در فرودگاه فرود آمد تسبیح بگوید.

توجیه و دلیل این دعا این است که انسان هرگاه خود را در مکان بالایی ببیند شاید خود را بزرگ ببیند، پس «الله اکبر» (الله بزرگتر است) می گوید، یعنی خود را در برابر کبریای الله عزوجل کوچک می شمارد.

اما وقتی به محلی پست پایین می آید می گوید: «سبحان الله» یعنی الله سبحانه و تعالی را از پستی و پایین بود پاک می دارم.

د- و از ابن عمر - رضی الله عنه - روایت است که گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم هر بار که از گردنه یا زمین سخت و بلندی بالا می رفت، سه بار تکبیر می گفت و می فرمود: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعَدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَهَرَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ» (هیچ معبود برحق جز الله نیست، یکتاست و شریکی ندارد؛ فرمان روایی و حمد و ستایش ویژه اوست و بر هر چیزی تواناست. ما باز می گردیم و توبه کنندگان، عبادت گزاران و ستایش گران پروردگاران هستیم. الله به وعده اش وفا کرد و به بنده اش یاری رساند و به تنهایی همه گروه ها [ی کفر] را شکست داد). متفق علیه.

و در روایتی نزد مسلم آمده که: هرگاه از لشکرها یا سرایا یا حج یا عمره برمی گشت چنین می گفت.

انکار سوار شدن بر مرکب:

از علی بن ربیعہ روایت است که گفت: شاهد علی بن ابی طالب - رضی الله عنه - بودم که برایشان مرکبی آوردند تا سوار آن شود، پس چون پای خود را در رکاب گذاشت فرمود: «بسم الله» و چون بر پشت مرکب قرار گرفت فرمود: «الحمد لله» سپس فرمود: «سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا، وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ» (پاک و منزّه است کسی که این [وسیله] را در خدمت ما گماشت و [گرنه] ما خود توان این کار را نداشتیم؛ و ما به پیشگاه پروردگاران بازمی

گردیم) سپس سه بار الحمد لله گفت، سپس سه بار الله اکبر گفت، سپس فرمود: «سُبْحَانَكَ إِلَهِي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ» (پاک و منزهی پروردگارا، من در حق خود ستم ورزیدم پس مرا بیامرز که جز تو کسی گناهان را نمی آمرزد). سپس خندید. گفتند: ای امیر مؤمنان، از چه چیزی خندیدید؟ فرمود: پیامبر صلی الله علیه وسلم را دیدم که مانند این کارهای مرا انجام دادند و سپس خندیدند، گفتم: یا رسول الله، از چه چیزی خندیدید؟ فرمودند: «پروردگار تو به شگفت می آید که بنده اش می گوید: مرا بیامرز؛ درحالی که خود می داند کسی جز من گناهان را نمی آمرزد». به روایت ابوداود و ترمذی. ترمذی می گوید: این حدیثی حسن است، و در برخی از نسخه ها [ی ترمذی] آمده است: حسن صحیح است. و این لفظ ابوداود است.

اذکار پیاده شده در توقفگاه:

الف- از خوله بنت حکیم - رضی الله عنها - روایت است که گفت: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هر کسی در مکانی اتراق کرد، و گفت: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ (پناه می برم به کلمات کامل الله از شر آنچه آفریده است)، تا زمانی که او در این مکان اتراق دارد، هیچ چیز به او زیانی نمی رساند. مسلم آن را روایت کرده است.

ب- و از عبدالله بن عمر - رضی الله عنهما - روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم هرگاه به سفر می رفتند و شب می شد می فرمود: «يَا أَرْضُ، رَبِّي وَرَبُّكَ اللَّهُ، أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّكَ وَشَرِّ مَا فِيكَ وَشَرِّ مَا خُلِقَ فِيكَ وَمِنْ شَرِّ مَا يَدْبُ عَلَيْكَ، وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ أَسَدٍ وَأَسْوَدٍ، وَمِنْ الْحَيَّةِ وَالْعُقْرَبِ، وَمِنْ سَاكِنِ الْبَلَدِ، وَمِنْ وَالِدٍ وَمَا وَاوَدَ» (ای زمین، پروردگار من و تو الله است، از شر تو و شر آنچه در تو هست و شر آنچه در تو آفریده شده و از شر آنچه بر تو می جنبد به الله پناه می برم، و پناه می برم به الله از شیر و شیران و از مار و عقرب و از [جنیان] ساکن این سرزمین و از والد و آنچه زاده).

ذکر هنگام وارد شدن به شهر یا سرزمین خود:

الف- از صهیب - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم شهری را که قصد وارد شدن به آن داشت نمی دید مگر آنکه وقتی آن را می دید می فرمود:

«اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَمَا أَظْلُنَّ، وَرَبَّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَمَا أَقْلُنَّ، وَرَبَّ الشَّيَاطِينِ وَمَا أَضْلُنَّ، وَرَبَّ الرِّيَّاحِ وَمَا دَرِينُ، فَإِنَّا نَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ وَخَيْرَ أَهْلِهَا، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ أَهْلِهَا وَشَرِّ مَا فِيهَا» (بار الها ای پروردگار آسمان های هفتگانه و هرچه بر آن سایه انداخته اند، و پروردگار هفت زمین و هر آنچه بر خود دارند، و پروردگار شیاطین و آنچه گمراه می سازند، و پروردگار بادهای و آنچه پراکنده می سازند، ما از تو خیر این آبادی و خیر اهالی آن را خواهیم و از شر آن و شر مردمانش و شر آنچه در آن است به تو پناه می بریم). به روایت نسائی.

ب- و از انس - رضی الله عنه - روایت است که گفت: با رسول الله صلی الله علیه وسلم آمدم تا آنکه به نزدیکی مدینه رسیدیم، پس ایشان فرمودند:

«أَيُّونَ، تَأْيِبُونَ، عَابِدُونَ، لِرَبِّنَا حَامِدُونَ» و همین را می گفت تا آنکه به مدینه رسیدیم. به روایت مسلم.

ج- پیامبر صلی الله علیه وسلم هرگاه قصد ورود به شهری را داشتند می فرمود: «بارالها ما را به نزد مردمان آنجا محبوب بگردان و مردمان نیکوکار آن را به نزد ما محبوب بگردان»، و این حدیث ضعیف است.

ذکر رویت هلال:

از طلحه بن عبیدالله - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم چون هلال [ماه جدید] را می دیدند می فرمودند:

«اللَّهُمَّ أَهْلُهُ عَلَيْنَا بِالْيُمْنِ وَالْإِيمَانِ، وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ، رَبِّي وَرَبُّكَ اللَّهُ، هَلَالٌ رُشْدٍ وَخَيْرٍ» (یا الله، این ماه را با امنیت و ایمان و اسلام و سلامتی بر ما نو بفرما. پروردگاری من و تو الله است؛ امید است که ماه نو، ماه رشد و نیکی باشد) به روایت ترمذی؛ او می گوید: حدیثی حسن است.

هنگام وزیدن باد:

از عائشه - رضی الله عنها - روایت کرده که: پیامبر صلی الله علیه و سلم هرگاه باد می وزید می فرمود:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَهَا، وَخَيْرَ مَا فِيهَا، وَخَيْرَ مَا أُرْسِلَتْ بِهِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا، وَشَرِّ مَا فِيهَا، وَشَرِّ مَا أُرْسِلَتْ بِهِ» (یا الله، خیر این باد و نیز خیر آنچه در آن است و خیر و منفعتی را که به خاطر آن فرستاده شده از تو می خواهم و از شرّ این باد و شرّ آنچه در آن است و نیز از شرّی که به خاطر آن فرستاده شده، به تو پناه می برم). مسلم آن را روایت کرده است.

هنگام رعد:

الف - از عبدالله بن عمر - رضی الله عنهما - روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم هرگاه صدای رعد و صاعقه را می شنیدند می فرمودند:

«اللَّهُمَّ لَا تَقْتُلْنَا بَعْضُكَ، وَلَا تَهْلِكُنَا بَعْدَإِيَابِكَ، وَعَافِنَا قَبْلَ ذَلِكَ» (ای الله، ما را با خشم خود نکش و با عذابت هلاک نکن و پیش از آن عافیت عطا کن).

ب- و از عبدالله بن زبیر - رضی الله عنهما - ماثور است که وی در این هنگام می گفت:

«سُبْحَانَ الَّذِي يُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ» (پاک و منزّه است آنکه رعد به ستایش او تسبیح می گوید و ملائکه از ترس او).

هنگام شدید شدن باران:

از انس - رضی الله عنه - روایت است که گفت:

مردی روز جمعه وارد مسجد شد در حالی که رسول الله صلی الله علیه وسلم ایستاده و برای مردم خطبه می گفتند، پس گفت: یا رسول الله، اموال از بین رفت و راه ها بسته شد، پس از الله بخواه که بر ما باران بباراند، پس رسول الله صلی الله علیه وسلم دستانش را بلند کرد و فرمود:

«اللَّهُمَّ اغْنِنَا، اللَّهُمَّ اغْنِنَا، اللَّهُمَّ اغْنِنَا» (یا الله به ما باران عطا کن، یا الله به ما باران عطا کن، یا الله به ما باران عطا کن).

انس می گوید: به الله سوگند در آسمان نه ابری می دیدیم و نه تکه کوچکی ابر، حال آنکه میان ما و کوه سلع خانه کوچک و بزرگی نبود، پس از پشت آن ابری همانند سپر ظاهر شد،

و چون به میانه آسمان رسید [به اطراف] پراکنده شد و سپس باریدن شروع کرد پس به الله سوگند که یک هفته خورشید را ندیدیم،

سپس در جمعه بعد مردی از همان در وارد [مسجد] شد در حالی که پیامبر صلی الله علیه وسلم خطبه می گفت، پس رو به ایشان ایستاد و گفت:

یا رسول الله، اموال از بین رفت و راه ها بسته شد، پس دعا کن که الله آن را از ما باز بدارد،

پس رسول الله صلی الله علیه وسلم دستانشان را بلندکردند و فرمودند:

«یا الله بر اطراف ما و نه بر ما، یا الله بر بلندی ها و تپه ها و دل دره ها و محل رویش درختان».

می گوید: پس باران قطع شد و بیرون رفتیم و زیر آفتاب قدم زدیم.

فصل هفتم : درود بر پیامبر صلی الله علیه و سلم

فضیلت درود بر پیامبر صلی الله علیه و سلم:

الله تعالی می فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا

تَسْلِيمًا﴾ [الأحزاب: 56]

{الله و ملائکه او بر پیامبر درود می فرستند؛ ای کسانی که ایمان آورده اید بر وی درود و سلام فرستید}[احزاب: ۵۶].

و از عبدالله بن عمرو بن العاص - رضی الله عنهما - روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هر کسی بر من یک صلوات بفرستد، الله بر او ده صلوات می فرستد». مسلم آن را روایت کرده است.

از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه - روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «خاص ترین مردم و نزدیک ترین آنان به من در روز قیامت کسی است که بیشتر بر من درود فرستاده باشد». به روایت ترمذی؛ او می گوید: حدیثی حسن است.

و از اوس بن اوس - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «روز جمعه از بهترین روزهای شماست، پس در آن بر من بسیار درود بفرستید زیرا درود شما بر من عرضه می شود». گفتند: یا رسول الله، چگونه درود ما بر شما عرضه می شود حال آنکه [بدن] شما پوسیده است؟

فرمود: «الله بدن انبیا را بر زمین حرام کرده است». به روایت ابوداود با سند صحیح.

و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «آرامگاه من را عیدگاه نکنید، و بر من صلوات بفرستید، زیرا هر کجا که باشید صلوات شما به من خواهد رسید». به روایت ابوداود با سند صحیح.

و از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «کسی نیست که بر من سلام بفرستد، مگر اینکه الله متعال روح را به من باز می گرداند تا جواب سلامش را بدهم». به روایت ابوداود با سند صحیح.

و از علی بن ابی طالب - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «بخیل آن است که هرگاه من نزد او یاد شوم بر من درود نفرستد». به روایت ترمذی؛ او می گوید: حدیثی حسن صحیح است.

و از فضالة بن عبید - رضی الله عنه - روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم شنید که مردی در نمازش در حال دعاست بدون آنکه تمجید و بزرگداشت الله را بگوید و بدون آنکه بر پیامبر صلی الله علیه وسلم صلوات بفرستد، پس فرمودند: «این عجله کرد». سپس او را فرا خواند و به او یا به دیگری فرمود: «هرگاه کسی از شما نماز گزارد با تمجید پروردگارش عزوجل و ثنای او آغاز کند سپس بر پیامبر صلی الله علیه وسلم درود فرستد سپس هر دعایی را که می خواهد بگوید». به روایت ابوداود و ترمذی. ترمذی می گوید: این حدیثی حسن صحیح است.

و از ابی بن گعب - رضی الله عنه - روایت است که گفت: گفتیم: یا رسول الله من بسیار بر تو درود می فرستم، پس چه مقدار از دعایم را خاص تو گردانم؟

فرمود: «هرچه می خواهی» گفتم: یک چهارم؟ فرمود: «هر چه می خواهی، و اگر بیشتر قرار دهی برایت بهتر است» گفتم: نصف، فرمود: «هر چه می خواهی، و اگر بیشتر کنی برایت بهتر است» گفتم: پس دو سوم؟ فرمود: «هر چه می خواهی، و اگر بیشتر کنی برایت بهتر است» گفتم: همه دعایم را برای تو قرار می دهم. فرمود: «در این صورت نگرانی ات را برطرف می سازد و گناهت را برایت می آمرزد».

و اگر انسان هر دعایی را که می کند همراه با آن بر پیامبر صلی الله علیه وسلم درود بفرستد بی شک این باعث از بین رفتن نگرانی اش و آمرزش گناهانش می شود چنانکه در حدیث آمده است.

و درود بر پیامبر صلی الله علیه وسلم در برخی مواضع واجب است، از جمله:

1- اگر نام ایشان برده شد؛ زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: «خوار و زبون باد کسی که نام من نزدش برده شود و بر من درود نفرستد».

2- در تشهد پایانی در نماز که این نزد بسیاری از علما رکن نماز است و نماز بدون آن درست نیست، و نزد برخی دیگر سنت است و نزد برخی دیگر واجب است، اما احتیاط آن است که انسان آن را در نمازش ترک نکند.

صیغه های وارده برای درود بر پیامبر صلی الله علیه وسلم:

1- از کعب بن عُجره - رضی الله عنه - روایت است که گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم به نزد ما آمد پس گفتیم: یا رسول الله، ما دانستیم که چگونه بر شما سلام گوئیم، پس چگونه بر شما درود بفرستیم؟ ایشان فرمودند: بگوئید:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ» (یا الله، بر محمد و آل محمد صلوات بفرست، همانطور که بر ابراهیم و آل ابراهیم صلوات فرستاده ای، تو ستایش شونده و بسیار بلند مرتبه هستی، و ای الله بر محمد و آل محمد برکت بفرست، همانطور که بر ابراهیم و آل ابراهیم برکت فرستاده ای، تو ستایش شونده و بسیار بلند مرتبه هستی). منفق علیه.

2- و از ابومسعود بدری - رضی الله عنه - روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم به نزد ما آمد در حالی که در مجلس سعد بن عباده - رضی الله عنه - بودیم، پس بشیر بن سعد گفت: الله ما را امر کرده که بر تو ای رسول الله درود بفرستیم، پس چگونه باید بر شما درود بفرستیم؟ پس رسول الله صلی الله علیه وسلم ساکت شدند تا جایی که آرزو کردیم کاش از او نپرسیده بود، سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«بگوئید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ فِي الْعَالَمِينَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ (یا الله، بر محمد درود فرست و بر آل محمد درود بفرست، همانطور که بر آل ابراهیم درود فرستادی، و بر محمد و بر آل محمد برکت بفرست، همانطور که بر آل ابراهیم در میان جهانیان برکت فرستاده ای، تو ستایش شونده و بسیار بلند مرتبه هستی) و سلام، چنان است که دانسته اید». مسلم آن را روایت کرده است.

3- و از ابوحمید ساعدی - رضی الله عنه - روایت است که گفت: گفتند یا رسول الله، چگونه بر شما صلوات بفرستیم؟ فرمود: بگوئید:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَعَلَى أَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَعَلَى أَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ

مَجِيدٌ» (یا الله، بر محمد درود بفرست و بر همسران و ذریه او چنانکه بر آل ابراهیم درود فرستادی و بر محمد و بر همسران و ذریه اش برکت ارزانی دار چنانکه بر آل ابراهیم برکت ارزانی داشتی، همانا تو ستوده شده و بسیار بلند مرتبه ای). متفق علیه. «یا الله بر محمد صلوات بفرست» یعنی: یا الله او در ملاً اعلی ثنا بگو، یعنی: او را با صفات پسندیده یاد کن، و ملاً اعلی یعنی ملائکه، پس چون گفتم: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ» انگار گفته ای: پروردگارا او را با صفات نیکو توصیف کن و نزد ملائکه یاد کن تا محبتشان به او بیشتر شود و ثوابش اینگونه افزودن گردد.

و الله داناتر است و ستایش الله را که نیکی ها با نعمت او کمال می یابد و صَلَّی اللهُ وَسَلَّمْ وَبَارَكَ عَلَى عَبْدِهِ وَرَسُولِهِ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ وَمَنْ تَبِعَهُمْ بِإِحْسَانٍ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ.

فهرست

1.....	رساله ای دربارهٔ اذکار.....
6.....	فصل اول: فضل ذکر الله تعالی به شکل مطلق.....
10.....	فصل دوم: دربارهٔ اذکار مقید به عدد.....
11.....	فصل سوم: دربارهٔ ذکر های صبح و شام.....
26.....	فصل چهارم: دربارهٔ ذکر مقید به یک حالت خاص.....
42.....	فصل پنجم: اذکار عبادات.....
76.....	فصل هفتم: درود بر پیامبر صلی الله علیه و سلم.....
81.....	فهرست.....